

مردی که زیاد می‌دانست! (۲)

(اسنادی از سرشاپور ریپورتر مأمور اطلاعاتی و دلال اقتصادی بریتانیا در ایران)

جلال فرهمند

Farahmand @ iichs.org

[۱۹]

[نامهٔ ریپورتر مبنی بر ابراز همدردی و دلجویی از اردشیر زاهدی]

شماره ۶۷، خیابان زرتشت، خیابان پهلوی

تهران

برادر عزیز و دوست مهربان را قربانم،

از اینکه مرا با ارسال نامه مفتخر کرده و یادی از من نموده‌ای بسیار سپاسگزارم. از ژنو طبق امر «ارباب» تلگرافی خدمتت کردم که به بهبهانیان دستور توقف در لندن داده شود که مسلماً این کار انجام شده است.

اردشیر عزیز، از اینکه من تا به حال نامه و یا تلگراف تبریکی (مثلاً به مناسبت دکترای افتخاری از یوتا) برایت نفرستادم معذرت می‌خواهم ولی در مقامی که تو داری و آتیه درخشانی که ان‌شاءالله با عنایت خداوند و توجه شاه در انتظار توست نمی‌خواستم خدای نکرده عملی کرده باشم که حمل بر چاپلوسی و خودشیرینی شده باشد ولی به جان هر دو فرزندم با وجود اینکه آشنایی من با تو از لحاظ زمان کوتاه بود به حدی فریفته اخلاق و جوانمردی و آزادمنشی تو شده‌ام که برای همیشه یک نوع حس احترام توأم با علاقه و محبت برای تو در قلبم خواهد ماند و شاید در آتیه فرصتی دست دهد که بتوانم عملاً خدمتی برایت انجام دهم. در هر حال، می‌توانی با اعتماد کامل مرا هم در زمره

دوستان صمیمی خود به حساب بیاوری.

در ژنو (چند هفته پیش) با امیراسدالله خان ذکر خیرت را می‌کردم و خدمت پدربزرگوارت تیمسار سپهبد هم برای عرض ادب رفتیم ولی من رویم نشد که آشنایی خودم با تو را به زبان بیاورم! (حالا می‌بینی که با این هیکل گنده‌ام باز هم آدم محجوبی هستم!!) و حتی به علم هم گفتم چیزی نگویید که مبادا سپهبد که گرفتار پذیرایی شاه بود ناراحت شده و لازم بداند که مثلاً دستی هم به سر من بکشد! انشاءالله روزی خودت آن طور که باید مرا حضورشان معرفی خواهی کرد. کارهایی را که در آنجا می‌کنی به نسبت خوبی در مطبوعات اینجا هم منعکس می‌شود و از مجرای دیگر هم من اطلاع دارم (و به عرض رسانده‌ام) که با وجود مشکلات ادامه کار فعالیت تو نمودار شده و در داخل سفارت هم دیگر آن بی‌بند و باری و سروقت نیامدن و غیره وجود ندارد. من با زخم در اواخر ماه اوت برای $2\frac{1}{3}$ ماه به مرخصی به اروپا می‌روم و نمی‌دانم اگر خدا قسمت کرد شاید هم سری به آمریکا بزنم (برای اولین بار) و البته خدمتت خواهم رسید. تاجچه پیش آید. اطمینان دارم که حال که سوار کار شده‌ای دیگر روز به روز در کارهایت موفقیت بیشتری خواهی داشت و موفقیت تو هم یعنی موفقیت ایران.

برادر عزیزم، اردشیر، لازم به گفتن نیست که بار سنگین مسئولیت امور بر شانه شاه قرار دارد که یگانه هدفش ترقی این مملکت یعنی ایران کهن است. مانند هر رهبر و پیشوای دیگر نیازمند به لاقط چند نفر آدم پرکار، فدایی و لایق است که او را در کارهایش کمک کنند. مسلماً تو که ماشاءالله نسبت به سن کمت مشاغل حساسی را دیده‌ای بیش از پیش باید از جمله کسانی باشی که عصای دست شاه باشند. می‌دانم که در این وظیفه مقدس موفق خواهی شد؛ زیرا خداوند مشخصات اخلاقی و روحی لازمه یعنی خوش قلبی، پرکاری، صداقت و حمیت و ذکاوت و شعور را به تو داده است و روزی را می‌بینم که تو یکی از سرمایه‌های بزرگ کشورمان ایران عزیز خواهی بود.

می‌بوسم روی عزیزت را و قربانت می‌روم

شاپور اردشیرجی

[در حاشیه:] مراتب احترام را به حضور والاحضرت شهنواز^۲ تقدیم نما. همیشه از

دریافت چند کلمه از سلامتی تو خوشحال خواهم شد. [۲۰-۴۸-۱۱۵ از]

[نامه تشکرآمیز و برخی درخواستهای ریپورتر از اردشیر زاهدی]

شماره ۶۵، خیابان زرتشت، خیابان پهلوی
دوم ژانویه ۱۹۶۳

دوست و برادر گرام، اردشیر را قربانم،

قبل از هر چیزی خواهم از آن همه محبت و مهربانی تو در مدت سفر اخیر من به لندن تشکر کنم و مخصوصاً هدیه زیبایی را که به من دادی یادگار پرارزشی است که همیشه آن را نگاهداشته و از آن مفتخرم.

اردشیرجان، در شرفیابی خود مفصلاً کارهایی را که می‌کنی و مخصوصاً تماسها و ملاقاتهایی را که با افراد سرشناس و از طبقات مختلف داری به عرض رساندم و خوشوقتم بگویم که خاطرشان از این جریان راضی است؛ فقط اظهار نگرانی فرمودند از اینکه با مخارج سنگینی که لازمه پذیرایی آبرومند و غیره است تو همچنان دچار وضع مالی ناراحت کننده [ای] خواهی بود و کاملاً از حجم قروض و غیره و سود سنگین آن آگاه بودند.

راجع به اینکه احیاناً ممکن است از سمت سیاسی توسط بعضیها سوءاستفاده شود نیز صحبت شد و مقرر فرمودند تذکر اکید از طرف دوست مشترکمان به آن آقا داده شود. دوست مشترکمان هم از محبت‌های تو نسبت به خانمش بسیار متشکر است و لازم به تکرار و تأکید نیست که تو را مثل برادر خود دوست داشته و نسبت به پدربزرگوارت نیز حس احترام مخصوصی دارد و البته هر کاری که از دستش برآید کوتاهی نخواهد کرد.

شنیدم غفاری نامی را عازم لندن از وزارت خارجه کردند. ضمناً آقای هروی (علیرضا)^۳ هم اصرار دارد که معدل را با خود به نیویورک ببرد و دیگر نمی‌دانم در لندن محل خالی به این زودیها باشد یا خیر؟

امیدوارم که همیشه سلامت بوده و در کارهای خود همیشه موفق باشی و مأموریت خود [را] بنحواحسن انجام دهی. می‌بوسم روی عزیزت را و ان‌شاءالله به زودی به

۳. علیرضا هروی‌راد سرکنسول ایران در نیویورک از فروردین ۱۳۴۲ تا خرداد ۱۳۴۵.

دیدارت نائل خواهم شد. قربانت، شاپور
p.s: خواهشمندم از قول من به دکتر طهرانی سلام برسانی. او را جوانی بسیار خوب و
شایسته دیدم.

[۱۹-۴۸-۱۱۵ز]

[۲۱]

[نامه تسلی دهنده ریپورتر به اردشیر زاهدی و تشویق وی به ادامه کار]

8th April 1963

برادر مهربان و دوست گرام اردشیر را قربانم،

امیدوارم که به سلامت بوده باشی و مشغول انجام کارهای مربوطه. این نامه را توسط
دوست مشترک رابینسن می فرستم و خودم هم تا در حدود دو یا سه هفته دیگر در لندن
خواهم بود. اردشیرجان، با نهایت دلگرمی وظایف خود را انجام بده چنانکه خواهی داد
زیرا می دانم جان و مال و هستی تو در راه خدمت به پدر همه ما یعنی شاه و ایران عزیز
وقف است و توهم در زندگی جز این چیزی آرزو نمی کنی.

متأسفانه در دوره زندگی افراد انواع ناملايمات پیش می آید. ولی نمی توان گفت که
مثلاً گناه از این جانب است و نه از آن جانب، بلکه باید با استقامت و ثبات و صبر و
حوصله تحمل کرد. فقط می توانم به تو صددرصد اطمینان دهم که جریانات داخلی به
هیچ وجه در حسن عقیده و اطمینان مردی که تو در راه او حاضری جان خود را هر آن
بدهی تأثیر سویی نکرده و من این را از زبان خودشان شنیدم و لازم دیدم که تو بدانی و
بیش از پیش در خدمت به وطن کوشا باشی.^۴ ایشان تو را دوست دارند و جوان با
شهامت و جوانمردی و فداکاری می دانند و چنانکه همه می دانیم کمتر اتفاق می افتد که
در تشخیص اشخاص راه خطا بروند.

اردشیرجان، من چند سالی بیش از تو عمر کرده ام و شاید بیش از تناسب سنم تجربه
اندوخته باشم، زیرا کارم مرا در تماس با اشخاص مسئول و صاحب مقام گذاشته است.
رسم طبیعت این است که افرادی که سرنوشت به آنها مسئولیتها و مقامهای بالاتر از

۴. اشاره به طلاق اردشیر زاهدی و شهناز پهلوی است. زاهدی نگران آینده اش بعد از این طلاق بود.



شماره ۵۷ فیبا ثبت - فیبا ۴۴۵۴۵
A
۱۳۵۸

برادر عزیز و دردت خردم را در تمام
دیدی از من نمودی بسیار مبارک دارم - از طرف وطن امر آریاب - طمان
خدمت کردم که - بهبهانین در کربلا در کربلا در کربلا در کربلا
اسلام را (عجم) شده است - از شیرین غریب از آنکه من بحال مانده
مکلفات جرمی (مثلاً و کسب و کرامت و غیره) در اینها برایت نوشتام خدمت
منیاجم و با دوستی که تو داری و آینه درختی که نشانها با عبادت
خداوند و توجه شاه و در اختیار تو است میفرستم خدا را بگردانم که با تو
که تحمل بر چایلو و خود شیرینی شده باشد و با بجان هر دو فرستم
با وجود اینکه آستانه من با تو از لحاظ زمان کوتاه بود بجهت فریفته اخلاق
و جوایز و آزادیستی تو شده ام که بر این جهت کلیج جس اقرار تو ام با
علاقه و محبت برای تو در تمام خواهد ماند و شاید در آینه فرستی دست ده که
بترانم ملامت خدمتی برایت انجام دهم در هر حال تیرانی با اتحاد کامل مرا هم در نظر
دوستان همی خود به حساب بیادری در نظر تو (چون بپوشی)
با بر سره ادعای ذکر خیرت را میگویم و خدمت به برادرگارت بسیار میباید ام برای
عرض ادب زخمی و می فرستد که آستانه خودم با تو را برای بیاورم!
(حالا ببینی که با این دلیل چگونه ام با تو ام همچو آسم!!) وقتی - علمم که تو جز
نگریه که با او است که در کربلا در کربلا در کربلا در کربلا در کربلا در کربلا
دستی ام به سر من بکنید! افتاله در کربلا در کربلا در کربلا در کربلا در کربلا
خواب کرد - کار با تو را در اینجا بکنید - نسبت قول در مطربت اینجا
هم منکن میشود و در مجال دیگر هم می اطلاع دهم (و بویض بر سر من ام) که با وجود
مشکلات اولیه کار فعالیت تو نموده است و در داخل سعادت
(دینت معمر)

هم دیگر آن بی بنده را در دست وقت بیایم دیروز و چون در
می بانم در آردم ماه اوست بر این ۲۳ ماه بعضی با در پیارم
و خندانم اگر خدمت کردی هم من بسیار با تو (بر این این با) دانته
خدمت خودم رسید - تا چه پیش آید - اطمینان دهم که حال کربلا
کار شده است دیگر روز بروز در کار است فریفته بیشتر خواهی
داشت و معرفت تو هم یعنی فریفته ایران.

برادر عزیزم از شیرین لازم بگفتن است که با در سنگی مشربت اورا بر شانه
ت و قرار دارد که گمانه خوش تر از آن نکلت فی ایام آسم است - مانند هر
در بر پیشانی دیگر نیاید به لایق چنانکه آدم بپرگاره - ندانی و
لایق است که او را در کار با تو بگردد کند - مثلاً در کار است به پس
گفتن شغل حصر میاید - این پیش در پیش با - در جوی آن پیشی که
عصار دست است بپوشد - به این که در این وطن مقدس خود خواهی
شده تو را خداوند مشخصات اطلاع دردی از من یعنی خوش تویی

چیرگاری - صداقت و محبت و دکارت دستور را بر داده
حت و دین را میباید که تو یکی از سرهای این بزرگ کشورمان ایران
نخیز خواهی بود
بیم روی غریب را در تیرت برام
شاد و شیرین

مراتب اقرارم را به حضور دلا فرستد شهادت تمام ما
پیش از دینت چنانکه در لای تو نوشتم تمام است -
ش

عادی می‌دهد دیگر زندگی خصوصی و داخلی آنها در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد و هدف اصلی خدمت و انجام وظیفه است به نحو احسن. تو در سن نسبتاً جوانی در اثر یک رشته اتفاقات در کشور توأم با لیاقت ذاتی به مقامی رسیده‌ای که حال دیگر جزانجام وظایف محوله از طرف شاه نمی‌توانی کاری داشته باشی و گاهی هم اگر در زندگی داخلی ناملایمی پیش آید باید به خود بگویی که سربازی که وارد میدان شد نمی‌تواند نبرد را در نهایت آسایش و فراغت خیال به پایان برساند بلکه باید آماده تحمل هرگونه مشکل منتظره و غیرمنتظره باشد.

اردشیر عزیز از اینکه سرت را درد آورده‌ام پوزش می‌طلبم و شاید ندانی که چقدر تو را دوست دارم و همیشه از خداوند سعادت تو را می‌خواهم. به امید دیدار به زودی.

شاپور

p.s اردشیرجان، معدل هنوز در تهران است و به امید احضار از طرف تو مأموریت کانادا و آمریکا را رد کرده است. شاید در مذاکرات رم با وزیر فرصت پیدا کردی که اشاره‌ای بنمایی.

قربانت sh

[۴-۴۸-۱۱۵ از]

[۲۲]

[نامه تشکر آمیز اردشیر زاهدی به ریپورتر به خاطر راهنماییهای مؤثرش]

۲۹ آوریل ۱۹۶۳

دوست بسیار عزیز شاهپور مهربانم،

امیدوارم که ان‌شاءالله همیشه خوش و موفق باشی. از احوال من خواسته باشی بحمدلله سلامت می‌باشم. نامه پر از مهر و محبت آن دوست و برادر عزیزم را دریافت و خیلی خوشحال شدم و از محبت تو ممنونم. اینکه چند روزی در جواب تأخیر شد، چون فکر می‌کردم چند روزه به تهران بیایم و به هر حال عملی نشد و در ضمن نوشته بودی که به زودی آنجا خواهی آمد آن هم دیدم خبری نشد. مراحم والطف اعلیحضرت همایونی را به من ابلاغ کردی بسیار مفتخر و خوشحال هستم و همان طور که خودت نوشته بودی، خوب یا بد، من این مرد را می‌پرستم و همین طور که بارها خواسته‌ام و آرزو

می‌کردم جان خود را فدایش کنم و هر وقت هم این کار را بکنم بزرگترین افتخار برای خود و فامیل خود می‌دانم و سعی کرده‌ام [ام] آنچه از دستم برآید بکنم. من آدمی هستم احساساتی و معتقد هستم انسان باید در زندگی روی اصول و رویه شرافتمندانه‌ای زندگی و تعقیب کند بنابراین تا آخرین قطره خونم را فدای کسی که دوست دارم و عقیده‌ام می‌کنم.

باری دوست عزیزم، تو مرا خوب می‌شناسی و از نصایح برادرانه و مردانه تو بی‌نهایت سپاسگزارم و حق را به تو می‌دهم، و همانطور که نوشته بودی، تجربه‌ات از من بیشتر می‌باشد. درباره‌ی وضع داخلی من نوشته بودی، درست است که انسان وقتی برای خدمتی خود را آماده می‌کند باید ناملایمات داخلی را تحمل کند ولی گاهی اوقات خنجر از پشت، اثر بسیار بد و نامطلوب و زنده‌ای دارد و به خصوص که معتقد هستم کسی که در زندگی می‌خواهد روی اصول و شرافتمندانه زندگی و مبارزه کند یا پاک و بدون ضعف باشد تا بتواند در مقابل دشمنان مردانه بجنگد و مردانه فاتح [شود] یا از بین برود، و انسان باید سعی کند شرافتش لکه‌دار نشود چون مردی که شرافتمند نبود قابل اعتماد نخواهد بود، بنابراین تا مرحله‌ای که به شرافتم لکه‌ای وارد نشود، جوانمردانه تحمل خواهم کرد ولی اینکه بسیار ناگوار و سوزاننده است.

رفیق، در این دنیا آنهایی خوش و موفق هستند که از احساسات بویی نبرده باشند و دنیا را برای خوشی خودشان بخواهند و اگر انسان احساساتی شد زندگی همیشه برایش تلخ خواهد بود ولی چه کنم که دیگر دیر شده و در صورتی که احساسات نداشته باشم هیچ ندارم و نمی‌توانم بدون احساسات زندگی کنم. به هر حال، دوست عزیزم، از نصایح تو بی‌نهایت سپاسگزارم و ممنونم که با این همه گرفتاری یاد من کرده و نامه مفصلی به من نوشتی. حقیقت امر را بخواهی، مشغول مطالعه هستم که شاید بهتر باشد و صلاح باشد که از شغل خود مستعفی شده و مرد لایقی و واردی جای مرا بگیرد و بتواند خدمت کند چون بی‌اندازه کسل و روحاً ضعیف شده‌ام. البته باید مردانه و شرافتمندانه‌تر به تو بگویم که در این مدت کوتاه از معاشرت و دوستی با مردم مهربان و مهمان‌نواز بی‌نهایت لذت برده و خاطرات بسیار خوبی پیدا کردم که هیچ‌گاه در زندگی فراموش نخواهم کرد و بی‌نهایت خوشحال هستم که به اینجا آمدم. مردم اینجا مردمی مهربان، رفیق‌باز و واقعاً gentleman هستند. بی‌نهایت به پادشاه عزیز ما علاقه‌مند و احترام دارند. مقامات رسمی و غیررسمی آنچه که بتوانند کمک می‌کنند و همکاری نزدیک دارند و به

دوستی شرافتمندانه و نزدیک و خوب ایران و انگلستان صمیمانه معتقد هستند و کوشش می‌کنند که آنچه ممکن است مفید باشد انجام دهند و واقعاً از اینها ممنون هستم. سفیر جدید، Sir Denis Wright،^۵ مرد فعال، شاهدوست و ایراندوست و فهمیده‌ای می‌باشد. و به نظر من شانس ایران بود که چنین مردی سفیر جدید شده و مطمئن هستم بی‌نهایت موفق خواهد شد و خدمات گرانبهایی به نزدیکی ایران و انگلیس خواهد کرد. به تو خیلی علاقه دارد و در اینجا از تو خیلی تعریف می‌کرد. سرتو را درد آوردم؛ معذرت می‌خواهم. از دور تو را می‌بوسم و امیدوارم به زودی دیدار تازه شود. به دوستان مشترک عرض سلام دارم. دربارهٔ معدل، نامهٔ رسمی به وزارت خارجه نوشتم و وقتی وزیر خارجه را دیدم در ایتالیا سؤال کردم و تعجب می‌کنم چطور هنوز حرکت نکرده. به هر حال، تلگرافی فردا خواهم فرستاد از خود معدل هم جواب تبریک رسید سؤال کرد وقت نکرده و به من جوابی نداد. از دور تو را می‌بوسم. قربانت [۱۷ تا ۱۵-۴۸-۱۱۵ از]

[۲۳]

[نامه یکی از مسئولین انگلیسی درباره مشکلات اعطای نشان به ریپورتور]

شخصی

۱۳ ژوئیه ۱۹۶۲

شاپور عزیز،

مدتها بود که می‌خواستم دربارهٔ موضوع نشان تو برایت نامه‌ای بنویسم اما در مرخصی بودم و تازه از مرخصی برگشته‌ام. به علاوه پیش از آنکه برایت نامه بنویسم می‌خواستم کاملاً مطمئن شوم که کلیه امور ممکن برای اهدای مدال زینندهٔ شما را در اینجا انجام داده باشیم. صراحتاً باید بگویم که اوضاع یأس‌آور است. همانطور که فکر می‌کردم که [آقای] آ. برای شما شرح داده باشد، به نظر می‌رسد که برای اعطای نشان هیچ راهی جز انتشار دلیلی موجه در مطبوعات وجود ندارد، از اینرو، این قضیه در مورد شما حکم تشویق و تقدیری را خواهد داشت که براساس کار فکری شما در ایران صورت گرفته، در غیر این صورت، مسلماً هم دوستان ایرانی و هم

۵. سر دنیس آرتور هیورث رایت سفیر انگلیس در ایران از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۰.

انگلیسی و حتی سایر دوستان اروپای غربی شما و سایر همکارانتان روی هم رفته بیش از حد معمول متعجب می‌شدند!! اطمینان دارم شما واقفید که بازرگانان انگلیسی و بریتانیایی‌های مقیم خارج از کشور تاچه حد نسبت به چنین جوایزی حسادت می‌ورزند و در هر صورت نمی‌دانم چگونه می‌توانیم این مورد (نشان) را از کارفرمایان به اصطلاح خیالی شما دریافت کنیم.

البته اگر زمان جنگ بود (که خدا را شکر نیست) شاید می‌توانستیم کاری انجام دهیم، همانگونه که به پاس خدمات ویژه «در میدان نبرد» و بدون هیچگونه دلیل کتبی خاصی (منتشره مطبوعات) دائماً نشانهایی به افراد اعطاء می‌شود.

من شخصاً به خاطر این موضوع بسیار ناراحتم زیرا من، حتی پس از مدت زمان کوتاهی که در این جایگاه قرار دارم، و نیز کلیه دوستان شما در اینجا، آنچه را که آ. و سفیر گفته‌اند کاملاً تصدیق می‌کنیم و هیچ‌گونه مخالفتی با این حقیقت که شما یقیناً استحقاق دریافت نشان را دارید وجود ندارد. اما به شما اطمینان می‌دهم که همه ما از جمله «مدیرعامل» در اینجا نهایت سعی خود را به کار برده‌ایم و همیشه در برابر دیوار آجری چاپ و انتشار می‌ایستیم. مع‌هذا این بدان معنی نیست که شما هرگز نشان را دریافت نخواهید کرد. اگر چه شما حتماً متوجه شده‌اید که من شخصاً نمی‌توانم هیچ تضمینی بدهم، اما می‌توانید مطمئن باشید، همانطور که در بالا گفتم، کار شما از نظر ما بسیار ارزشمند است و ارزش آن در اینجا برای همیشه ثبت شده است. در آینده‌ای نامعلوم و دور، زمانی که از همکاری ارزشمندتان برای ما دست بردارید یا شاید (که امیدوارم تا مدتها چنین نباشد) زمانی که تصمیم به ترک ایران گرفتید، یقین دارم که با اطمینان خواهیم گفت در مقابل خدمتی که برای ما انجام داده‌اید پاداش درخوری خواهید گرفت.

[امضا: ناخوانا]

[۴۷۶۰۷]

[۲۴]

[گزارش دیدار شاه و وزیر امور هوایی و فضایی انگلیس با حضور ریپورتر]

شاه

محرمانه

بنده در تاریخ ششم ژوئن^۶ دیداری خصوصی با شاه داشتم. در خلال این دیدار به

وی توضیح دادم که من به اتفاق همکارانم به منظور ملاقات و بحث با دوستان آمریکایی و ژاپنی خود دربارهٔ موقعیت‌هایی برای وام و سرمایه‌گذاری درازمدت به ایران آمده بودیم. وی به مشارکت ژاپن‌ها علاقه‌مندی نشان داد و به پروژه‌های مخصوصی که ژاپن‌ها در آن پول و تجهیزات هزینه کرده بودند، به ویژه پروژه ساخت حوضچه‌های مخصوص تعمیر کشتی در آبادان، اشاره نمود. او این مورد را به عنوان بزرگ‌ترین مرکز تعمیراتی برای کشورهای حوزهٔ خلیج [فارس] دانسته و معتقد بود که تسهیلات تعمیراتی کشورهای رقیب عربی، که در آن زمان در مرحلهٔ طرح و برنامه‌ریزی قرار داشتند، اساساً نمی‌توانند به مثابه رقیبی جدی به شمار آیند.

من از بابت پیشرفت مداوم و پیگیر روند چشمگیر صنعتی شدن، که از زمان آخرین دیدارم تاکنون در کشور ایران به وقوع پیوسته، به ایشان تبریک و تهنیت گفتم. وی در حالی که طبق عادت معمول شاهانهٔ خود ضمیر اول شخص جمع «ما» را به جای ضمیر اول شخص مفرد «من» به کار می‌برد در پاسخ گفت: «ما از این پیشرفت‌ها بسیار خرسند هستیم» لیکن این امر به سرمایه‌گذاریهای بسیار سنگین و دراز مدت نیاز دارد. او گفت که در ایران همچنین در کشورهای خارج، در آفریقای جنوبی، هند و اخیراً در اکتشاف نفت دریای شمال سرمایه‌گذاری نموده است. به هر حال، به رغم گفت‌وگوهای جاری دربارهٔ جست‌وجو برای یافتن دیگر منابع انرژی برای جایگزینی نفت، غرب و ژاپن در دهه‌های آتی از نظر انرژی به منابع نفتی خاورمیانه وابسته خواهند بود.

این مسئله، سخنان وی را به موضوع امنیت کشاند او گفت که هرگز نمی‌تواند به طور کامل بر جدایی‌پذیر بودن امنیت مناطقی چون خاورمیانه و اروپای غربی تأکید ورزد. من خاطرنشان ساختم که سر آلك داگلاس هوم^۷ به خوبی از این مسئله آگاه است، و در طی آخرین تبادل نظر و مذاکراتم با وزیر خارجه تقریباً دو ماه پیش، وی نسبت به اهداف و نیات روسها، مادام که آنان در هر نقطه از جهان به حمایت جدی خود از جنبشهای برانداز ادامه دهند و کشتیها و ناوگان جنگی آنان به گونه‌ای تحریک‌آمیز در امتداد راههای تجاری ما به ویژه اطراف دماغه امیدنیک صف‌آرایی نموده باشند، شدیداً بدبین بود.

همانگونه که شاپور^۸ قبلاً به من اطلاع داده بود (و او تنها فردی بود که در جمع من و شاه حضور داشت)، شاه به حملات مطبوعات بریتانیا به خود او و حکومتش اشاره نمود

۷. وزیر خارجه وقت انگلیس. ۸. شاپور رپورتر.



یکی از سفرهای موفقیت‌آمیز شاپور ریپورتر به انگلستان در کنار ارتشبد طوفانیان؛
در عکس علاوه بر ریپورتر و طوفانیان، همسر طوفانیان فاطمه زرهی و دو تن از فرزندانش دیده می‌شوند. [۲۸۵۲-۱-پ]

(همان روز سرمقاله تندی در روزنامه انگلیسی زبان تهران درج شده بود که در پاسخ به تهمت‌ها، تحریفات و افتراوات مطبوعات بریتانیا برضد ایران چاپ شده بود).^۹ وی گفت مایل است هشدار می‌دهد مبنی بر اینکه گرچه در سیاست‌های کلی اقتصادی و جهت‌گیری‌های سیاسی ایران در ارتباط با بریتانیا تغییری رخ نخواهد داد لیکن مطبوعات ایران به راحتی می‌توانند رویه مشابهی را در ارتباط با بریتانیا در پیش بگیرند. من احساس همدردی خود را بیان کردم ولی خاطر نشان نمودم که بریتانیایی‌ها مجبورند این قبیل مطالب را از جانب این نشریات و روزنامه‌ها تحمل کنند، [نشریات و مطبوعاتی] که مدام به دوستان و متحدان بریتانیا حمله می‌کنند و نیروهای مسلح و پلیس ما را برای همیشه بدنام می‌سازند. مشخص نیست که آیا در این مورد توطئه‌ای در کار بود یا اینکه صرفاً دیدگاه مغرضانه و نظرات شخصی سی‌چهل روزنامه‌نگار دست‌اندرکار در این قضیه بوده است؛ لیکن در مجموع، این مسئله به یک اقدام براندازنده منتهی گردید. بار اصلی اتهامات برگردن روزنامه‌هایی است که لرد تامسون اوفلیت مالک و گرداننده آنها بود. وی سال پیش، در مراسم جشنهای سالانه، یکی از مهمانان و مدعوین اعلیحضرت بود. من همچنین به مقاله‌ای از ویژه‌نامه بانکداری جهانی مندرج در نشریه تایمز مالی اشاره کردم که یک هفته پیش از حمله مطبوعات بریتانیا به ایران، چاپ شده بود. وی اظهار داشت که این مقاله را خوانده، و اگر در یک روزنامه فارسی زبان به چاپ می‌رسید نگران نمی‌شد؛ لیکن با چاپ آن نشریه فایننشال تایمز ناگزیر اهمیت دیگری پیدا نمود.

من گفتم هیچ چیز بدتر از تحمل خسارات و ضررهای مالی و مادی نیست، و تعجبی ندارد اگر بانکهای ایران در آتیه از درج آگهیها و اعلانات تبلیغاتی خود در این قبیل نشریات اجتناب بورزند. وی گفت این فکر به ذهن او نیز خطور کرد و خاطر نشان ساخت که سازمانها و تشکیلات ایرانی به آن دسته از مطبوعات بریتانیا که اول‌بار حملات فوق را شروع نمودند آگهی و اعلان تبلیغاتی چندانی برای چاپ نخواهند داد. شاه گفت در یک مورد کل بخش برنامه فارسی رادیو بی‌بی‌سی را مخالفان چپ‌گرای سلطنت اداره می‌کردند. وی گرچه نقش مطبوعات آزاد و وجود آزادی بیان در کشور ما

۹. اسدالله علم در ذیل خاطرات ۵۱/۳/۱۶ می‌نویسد: صبح شرفیاب شدم. شاهنشاه خیلی از اکونومیست عصبانی بودند. عرض کردم خواندم خبر مهمی نداشت. حقیقت نوشته است... به قدری عصبانی شدند که حد نداشت. فرمودند، پس خوب، یک کاغذ تشکر به آنها بنویسید. فهمیدم خیلی خیلی عصبانی شدند، در صورتی که نوشته است محاکمات سری است، کسی را راه نمی‌دهند. اسدالله علم. یادداشتهای علم. ویراستار علی‌نقی عالیخانی. تهران، کتابسرا، ۱۳۷۷. ج ۲، ص ۲۹۱.

را می‌ستود ولی احساس می‌کرد که حکومت بریتانیا دست‌کم می‌توانست اقداماتی درخصوص مسائل یاد شده انجام دهد.

به او گفتم باشگاه ماندی (Monday club)، که معرف حضور ایشان است، اقداماتی درخصوص موضع‌گیری بی‌بی‌سی انجام داده و ما نیز درصدد اقدامات و ابتکاراتی در جهت پیشبرد ایده‌ی ایجاد سیستم رادیویی مستقل، ویژه‌ی پخش و معرفی امور اقتصادی-تجاری، هستیم، که عملاً برپایه‌ی مسائل منطقه‌ای استوار بوده تحت تأثیر و نفوذ محفل روزنامه‌نگاران دست‌چپی لندن نباشد. وی گفت آنچه که مخصوصاً او را ناراحت و آزرده‌خاطر نموده اشاراتی بود که راجع به فساد موجود در درون رژیم وی، صورت گرفت؛ و افزود اگر موردی از فساد فردی وجود داشته باشد و چنین کسانی مشخص شوند وی شخصاً بسیار خوشحال می‌شوند که از این موارد مطلع گردد و با آنها سریعاً مقابله خواهد کرد. گفتم که در مقام یک بانکدار که مدت ده سال با ایران طرف معامله بوده‌ام، حتی یک بار هم الطاف ویژه‌ای که وی از آن صحبت می‌کند نه از من خواسته شد و نه به من پیشنهاد شد.

از او پرسیدم آیا پرزیدنت نیکسون طی مذاکرات مسکو مسئله خلیج [فارس] و اقیانوس هند را با برژنف در میان نهاد؟ شاه گفت که نیکسون چیزی به وی نگفت؛ ولی از این امر خوشحال بود که در مذاکرات جاری مسکو خوشبختانه هیچ‌گونه معامله‌ای جهت تضعیف متحدان آمریکا صورت نگرفت.^{۱۰} اثبات این امر آن بود که او هرچه را تقاضا می‌کرد، به راحتی همچنان می‌توانست [از ایالات متحده] دریافت کند، به ویژه در زمینه تجهیزات دفاعی، لیکن مادام که مناقشه اعراب و اسرائیل در جریان بود وی چشم‌انداز صلحی برای خاورمیانه در آتیه نمی‌دید. یکی دو سال پیش، به نظر می‌رسید که امکان دستیابی به یک سازش و توافق وجود دارد؛ لیکن در حال حاضر، اسرائیلیها در مواضع خود بسیار جدی‌تر و خشن‌تر شده‌اند و او [شاه] با نظر آنان – مبنی بر اینکه نمی‌توان به سازمانهای بین‌المللی از قبیل سازمان ملل متحد، در مورد احترام به هرگونه تعهدی، اعتماد کرد – موافق بود. من گفتم حداقل دیگر ناصری وجود ندارد که بخواهد خودش را به عنوان خلیفه کل جهان اسلام مطرح سازد. وی با این مطلب موافق بود ولی اظهار داشت که تهدیدات منطقه‌ای برای ایران از جانب عراق صورت می‌گیرد و از اینکه

۱۰. در نهم خرداد همین سال ریچارد نیکسون پس از پایان سفرش از شوروی به ایران آمد و در ملاقات با شاه به وی وعده داد که آمریکا حاضر است هرگونه تجهیزات نظامی را به ایران بفرشد.

وزارت امور خارجه ما هشدارهایش را در مورد تغییر و تحولات عراق (که قبلاً طی سال جاری شاه به ما اطلاع داده بود) جدی نگرفت بسیار احساس آزرده‌گی و دل‌تنگی می‌کرد. من در حضور او ابراز تعجب نمودم چون می‌دانستم که در زمینه رابطه با عراق همواره دیدگاهها و نقطه‌نظرات ضعیفی وجود دارد. وی احساس نمی‌کرد که احتمالاً میان دیپلماتهای ما و اعضای سرویس اطلاعاتی و جاسوسی ما باید اختلاف نظر وجود داشته باشد.

وی آنگاه ادامه داد که دوست ندارد حکومت بریتانیا به طور پنهانی با شیخ زائد امیر ابوظبی وارد معامله گردد. من به او گفتم که از این قضایا اطلاعی ندارم، ولی در واقع این مورد به خوبی حاکی از آن است که یک بخش از حکومت در جریان فعالیتها و اقدامات بخش دیگر آن قرار ندارد.

از او پرسیدم در جریان حوادث بمبگذاریهایی اخیر در ایران آیا یک سازمان مرکزی در پشت این قضایاست یا خیر. وی گفت طبق تحقیقات و بازجوییهای به عمل آمده از افراد مختلف بازداشت شده و عمدتاً دانشجویان، فاش گردید که این جریانات عمدتاً از جانب آلمان شرقی هدایت می‌شدند و همچنین از حمایت عراق نیز بهره‌مندند. من اظهار نمودم که البته روند صنعتی شدن بالطبع معضلات و دشواریهای اجتماعی در پی خواهد داشت، که به ویژه در صورت وجود پراکندگی و تعدد مراکز قدرت موجب بهره‌برداریهایی و سوءاستفاده‌هایی خواهد گردید، و احساس من این است که در کشوری چون ایران حتماً ضرورت دارد که فرد قاطعی حضور داشته باشد: که در نهایت، این فرد ایران بود و ایران هم شاه.^{۱۱} وی گفت: «آری، مرز آزادی می‌تواند بسیار فراتر رود. سوئدی‌ها را نگاه کن؛ آنها هر نوع آزادی‌ای که می‌خواهند دارند، و آنجا چه خیر است؟»

وی معتقد بود که حتی در بریتانیا نیز پراکندگی قدرت زیادی دیده می‌شود. وی امید بسیار به حزب کارگر داشت ولی خانم کسل^{۱۲} مرد از آب در آمد ویلسون هم زن، چرا چنین شد؟ من احساس کردم در رهبری حزب کارگر تحریکات زیادی وجود دارد که ویلسون خود را گرفتار آن کرده و پاک خودش را باخته است. به نظرم آقای هیث در این خصوص قاطعیت بیشتری از خود نشان خواهد داد. وی بدون هیچ‌گونه اشتیاقی جواب داد: «آری، به گمان من، هیث مناسب است.» به اعتقاد وی در حال حاضر، در مورد بسیاری از مسائل که انتظار داشت توده‌ها نسبت به آنها بی‌اندازه خشمگین باشند، نوعی

11 . After all, he was Iran and Iran was the Shah.

12. Castle

بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی نسبت به بریتانیاییها وجود دارد. بنده نظر خود را چنین بیان کردم که در بریتانیا زمانی که دچار زیان نشوند واکنش نشان نمی‌دهند و اگر مشکل تورم پیش نمی‌آمد این را به خوبی می‌شد مشاهده کرد.

وی یادآور شد زمانی که جان دیویس^{۱۳} در ایران بود با او امکان فعالیتهای مشترک ایران و انگلیس را به منظور صدور کالاهای ساخته شده و دیگر اجزاء به سراسر منطقه مورد بحث و بررسی قرار داده بود. این خود دال بر پیشرفت و توسعه منطقی قرن بود. من گفتم که فی‌الواقع تعدادی از شرکتهای بریتانیا در پرتقال، سنگاپور و هنگ‌کنگ سرگرم چنین اقداماتی بودند، و اگر موقعیت و اوضاع و احوال در ایران بروفق مراد باشد دلیلی وجود ندارد که این کار در ایران نیز صورت نگیرد، و ما خوشحال خواهیم شد در صورت فراهم آمدن شروط اعتباری از هرگونه کمک دریغ نوزیم.

وی آنگاه راجع به نیروی هسته‌ای پرسید و پیشنهاد کرد که با توجه به اینکه زمانی می‌رسد که نفت به جای مصارف مستقیم سوختی، در تهیه فرآورده‌های پتروشیمی مصرف گردد، پیشنهاد نمود که دو نیروگاه عظیم تأسیس کند. من شرح دادم که ما در حال گذار از یک دوران واسط بین دو عصر تکنولوژیک هستیم؛ لیکن در یک طرف زمانی ۵ تا ۶ ساله، که طی آن تکنولوژی پیشرفته بریتانیا چیزی تولید خواهد کرد که عملاً مفهوم جدیدی از قدرت هسته‌ای خواهد بود. وی اعتقاد داشت که این امر تقریباً درست است و در حال برنامه‌ریزی برای تربیت دو گروه طی سالهای آتی می‌باشد. گفتم در این زمینه نیز ما حاضر به هرگونه همکاری با وزرای او هستیم.

در پایان متذکر شدم که احتمالاً تا سه ماه دیگر باز خواهم گشت. وی گفت امیدوار است این حرف به معنی آمادگی ما برای انجام و اجرای برخی پیشنهادهای عملی باشد. گفتم ما سرگرم اجرای آنها هستیم و از حمایت‌های ایشان بسیار خرسند خواهیم شد.^{۱۴}

GKY: EW

13 June 1972

[۴۸۲۴۸]

۱۳. جان دیویس (John Davies) وزیر بازرگانی و صنایع انگلستان، از هفتم تا نهم خرداد ۵۱ جهت شرکت در اولین کمیسیون مشترک ایران و انگلیس به ایران آمد و قراردادهای مهمی به امضا رسانید.

۱۴. وزیر امور هوایی و فضایی انگلیس در این سفر در پی فروش هواپیمای کنکورد به ایران بود. در روز ۱۴ خرداد شاه پروازی آزمایشی با این هواپیما انجام داد. روابط خارجی ایران در سال ۱۳۵۱. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۵۲. ص ۱۵۳.

[۲۵]

[تقاضای شاه بر نظارت وزیر دفاع بریتانیا بر خریدهای نظامی ایران از انگلیس]

LE MINISTRE DE LA COUR^{۱۵}

۱۵ ژوئیه ۱۹۷۲

لرد کارینگتون عزیز،^{۱۶}

با کمال افتخار به عرض می‌رسانم نامه مورخ بیست و دوم ژوئن جناب عالی، خطاب به اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، که از طریق شاپور ریپورتر فرستاده بودید، به آن مقام عالی رسید.

اعلیحضرت همایونی با کمال خرسندی مقرر فرمودند که جناب عالی بر تمام امور مربوط به تقاضاهای نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران که از سوی بریتانیای کبیر تأمین می‌شود، نظارت داشته باشید.

به عنوان یادگاری از این ملاقات، اعلیحضرت همایونی عکسها را توشیح کرده‌اند که این جانب با کمال مسرت برایتان ارسال می‌کنم. با کمال احترام و بابت بهترین درودها، ارادتمند
اسدالله علم

وزیر دربار شاهنشاهی

[۴۷۹۲۹]

[۲۶]

[تشکر لرد کارینگتون از ابلاغ پیام شاه به وسیله ریپورتر]

نشان حکومت انگلیس

MINISTRY OF DEFENCE WHITEHALL LONDON SW1A 2HB^{۱۷}

۱۲ سپتامبر ۱۹۷۳

شاپور عزیز،

به خاطر پیام صمیمانه‌ای که از سوی شاه به من ابلاغ داشتید و به خاطر توجهتان به

۱۷. وزارت دفاع، وایت هال، لندن.

۱۶. وزیر دفاع بریتانیا.

۱۵. وزارت دربار.

LE MINISTRE DE LA COUR

15th July, 1972.

Dear Lord Carrington,

I have the honour to inform you that your letter of 22nd June, addressed to His Imperial Majesty The Shahanshah Aryamehr which you sent through Mr. Shapoor Reporter was duly submitted to its High Destination.

His Imperial Majesty has noted with satisfaction that you will continue to supervise all matters concerning the requirements of the Imperial Iranian Armed Forces which are to be supplied by the U.K.

As a souvenir of this visit, His Imperial Majesty has been pleased to autograph the photographs which I am very happy to send you herewith.

With high esteem and kindest regards,

Yours sincerely,

A. Alam
Assadollah Alam,
Minister of the Imperial Court.

His Excellency

*The Right Honourable the Lord Carrington, K.C.M.G., M.C.,
Secretary of State for Defence,
LONDON.*

سند شماره ۲۵: تقاضای مساعدت محمدرضا پهلوی از لرد کارینگتون وزیر دفاع بریتانیا
جهت نظارت بر خریدهای نظامی ایران از انگلیس

مواردی که ایشان مایلند در مذاکرات ما گنجانده شود، از شما بسیار سپاسگزارم. ترتیبی
خواهم داد تا خلاصه اطلاعات لازم را در اختیارم قرار دهند. نیازی نیست که بگویم با
کمال مسرت در انتظار این دیدار هستم.

ارادتمند شما،

[کارینگتون]

[۴۷۹۳۵]

[۲۷]

[تشکر یکی از مسئولان وزارت دفاع انگلیس از تلاش ریپورتر جهت توسعه روابط نظامی دو کشور]

MINISTRY OF DEFENCE WHITHALL LONDON SWIA 2HB

دوازدهم نوامبر ۱۹۷۵

سر شاپور عزیز،

سپاسهای مخصوص مرا به پاس تلاشهایتان، که سفر مرا به ایران به چنان موفقیت
بزرگی مبدل کرد، پذیرا باشید. یقین دارم که بدون مساعدتهای جدی و دلسوزانه شما
نمی توانستم در فرصت چنان کوتاهی آن همه سود برای هر دو کشور ایران و بریتانیا به دست
آورم. در شرفیابی خود به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه سخت تحت تأثیر قرار گرفتم.
درک او از مسائل جهانی شگفت آور است و بصیرت روشن او از سرنوشت و اهمیت بین المللی
ایران مرا تحت تأثیر قرار داد. به یقین ایران با داشتن چنین رهبری بسیار خوش اقبال است.

دیدارهای من با میزبانانم و سران نظامی بسیار جالب و مفید بود. شنیدن خبر
حل و فصل مسائل موجود در عرصه مناسبات دفاعی ایران و انگلیس از زبان تمام کسانی
که با آنان ملاقات کردم. بسیار خوشنود کننده بود. بی گمان، سفر اخیر من و اقداماتی که
متعاقب آن صورت خواهد گرفت، هرگونه تردید و نگرانی در این زمینه را از میان خواهد بود.

کسی نمی توانست بیش از شما به توسعه پیوندهای نزدیک بین ایران و بریتانیا در
زمینه های نظامی، و احترام و اطمینان دوستانه بین دو کشور کمک کند. بر این باور هستم
که شما به تلاشهایتان جهت تضمین توسعه روابط ایران و انگلیس در جهت منافع مردم
دو کشور ادامه خواهید داد.

ران میسن

[۴۷۹۳۷]

[نامه ریپورتر به طوفانیان در خصوص اجرای نظرات شاه برای خریدهای نظامی]

سری؛ فقط تیمسار طوفانیان ملاحظه نمایند

جمعه ۱۶ ژانویه ۱۹۷۶

تیمسار گرامی آرتشید طوفانیان، از ساعت ورودم به لندن دیروز و تمام امروز صبح در تماسهایی در عالی‌ترین سطوح دستگاه دولتی انگلستان (نه فقط در وزارت دفاع) بودم و برای من کاملاً روشن است که در پیرو مذاکرات شاهنشاه و وزیر انرژی انگلستان آقای Benn اقدامات لازم را کرده است، و اینک تمام دستگاههای مربوط مشغول اقدام مجدانه هستند که نظرات شاهنشاه را در حداکثر امکان تأمین نمایند. روی این اصل است که من از جناب عالی استدعا می‌نمایم توجه داشته باشید که هرگونه اظهاری از طرف شما که یک مقام بلندپایه دولت شاهنشاهی بوده و سخنگوی شاهنشاه در این مورد هستید هرگاه جنبه تهدید و یا قابل تعبیر «شاتناژ» باشد سوءاثر و یا اثر معکوس خواهد داشت. من می‌دانم که چه میزان حسن نیت در اینجا و در چه سطح بالایی برای اجرای اوامر شاهنشاه وجود دارد و به مذاکرات آتی (روز یکشنبه) در حضور ایشان بسیار خوشبین هستم. به عقیده من شما مطالب در این زمینه را به اختصار و وضوح و بالحن دوستانه و ملایم بیان فرموده و بپردازید به کارهای جاری و غیره. من خودم هم قبل از عزیمت از تهران اوامری دریافت کردم و اقدامات لازم را نموده‌ام. من سِمَت رسمی و اسمی در دستگاه دولت ایران را ندارم ولی خودم را خانه‌زاد شاهنشاه می‌دانم. به عنوان یک فرد زرتشتی مؤمن، صداقت و عشق به شاهنشاه و ایران از فرایض مذهبی من است. خودتان هم در هفت سال اخیر لااقل تا حدی مرا شناخته‌اید. آنچه را که استدعا می‌نمایم مستند به عقیده راسخ من است.

می‌توانستم تمام این مطالب را شفاهاً خدمتتان عرض کنم ولی نوشتم که سندی در دست شما باشد که در صورت اینکه خلاف آن ثابت شود موجب شرمساری و سرافکنندگی من در مقابل شاهنشاه است که برای من بزرگ‌ترین ضربه معنوی و روحی خواهد بود. من در مقامی نیستم که خط‌مشی جناب عالی را تعیین نمایم ولی استدعا دارم

عرایضم را با دقت مورد مطالعه قرارداداده و هرطور صلاح دانستید عمل نمایید.
باتقدیم احترام و عرض ارادت
شاپور اردشیرجی ریپورتر
[۷ و ۶-۱۹-۳-۱۲۹-الف]

[۲۹]

[گزارش ریپورتر به طوفانیان در خصوص دادگاهش و استرداد یک میلیون لیره حق دلالی]

خصوصی

جمعه

سرور گرامی، جهت مزید اطلاعاتن به عرض می‌رساند: دیروز آقای کاتن (Cottan) را ملاقات کردم و درباره مطلبی را که مورد توافق تیمسار و بنده قرار گرفته و اقدام از مجرای MOD/MTS مذاکره کردم و امشب هم قرار است آقای الیس را ملاقات نمایم و به آقای الیس هم تأکید خواهم کرد که این ترتیب مورد موافقت تیمسار ارتشبد است و اگر گزارشی به بالا لازم باشد خود آرتشبد^{۱۸} خواهند داد و لزومی ندارد که آقای الیس در شرفیابی به این مطلب اشاره نمایند؛ زیرا به اندازه کافی در این مورد خاطر خطیرشان مکدر شده است و دیگر مسئله را باید تمام کرد. نظر من این است که در ظرف حداکثر دوهفته آتیه، یعنی قبل از پایان ماه جاری، کار انجام شود. ضمناً گفتم که مطلب بین MOD/MTS و دستگاه تیمسار آرتشبد انجام خواهد شد و کاری به سفارتهای طهران و لندن ندارد.

هیچ‌گونه سر و صدایی هم نخواهد شد و پرونده مربوط را تیمسار خواهند بست. آقای کاتن به من گفتند که تیمسار ارتشبد هم اشاره‌ای در این زمینه به او فرموده بودید و حتی گفت که تیمسار مجدداً با سبک فرمایشات خود به او فهمانید که من (شاپور) همچنان مورد عنایت تیمسار است و توضیح داد که این مایه خوشوقتی او شده است. راجع به آینده من سؤال کرد جواب دادم فعلاً باید این کار با سرعت و تمام و کمال و طبق نظر تیمسار انجام شود و پس از انجام کسب...^{۱۹} و اجازه درباره آتیه من بشود و مطرح

۱۸. تأکید از ریپورتر است. ۱۹. ناخوانا.

نمودن موضوع حالا ضرورتی ندارد؛ به عبارت دیگر، اول ما باید حسن نیت خود را عملاً ثابت کنیم و سپس انتظار عنایتی درباره آتیه من داشته باشیم که دستور فرمایند. اگر چیز تازه‌ای بود به عرض خواهم رسانید. قرار است آقای الیس فردا (شنبه) حضورتان شرفیاب شود. مطالب دیگر، و من جمله نتیجه اسفناک جریان محاکمه، را هم چنانکه امر فرموده بودید گفتم. با تقدیم احترام

شاپور

[در حاشیه:] چنانکه به خاطر دارید طریقه عمل رسمی از این قرار است: من حق المشاوره خود را (یک میلیون لیره) را به MTS/MOD مسترد می‌دارم با این شرط و دستور از جانب من این مبلغ (یک میلیون لیره)، تمام و کمال، به دستگاه ارتشبد طوفانیان مسترد شود. [۸-۱۹-۳-۱۲۹-الف]

[۳۰]

[تشریح رونالد الیس از فعالیتهای مستمر ریپورتر در ایران]

نشان حکومت انگلیس

MINISTRY OF DEFENCE

Mian Building, whitehall, London sw12HB

از: رونالد الیس، ۲۰ رئیس فروش ادوات دفاعی

بیست و پنجم مارس ۱۹۷۷

به: سر شاپور ریپورتر، تهران

شاپور عزیزم،

امیدوارم، آنچه توانستیم طی دیدار سه روزه تیمسار طوفانیان به ایشان نشان دهیم درباره تلاشهای انجام شده جهت تحقق بخشیدن به نیت اعلیحضرت همایونی در موضوعات متفاوتی که با ما در میان گذاشتند، دیدگاه روشن و صائبی به ایشان داده باشد. همچنین مایلیم از شما به خاطر یاری رساندن به ما در امر دستیابی به توافقات تشریح نمایم.

اقداماتی برای آوردن MTS تحت نظارت و مسئولیت مستقیم وزارت دفاع در دست است و این امر مرا بیشتر قادر خواهد ساخت تا اکنون که تیمسار طوفانیان به ما تکمیل بخشهای متفاوت طرح را توصیه کرده‌اند در انعقاد قرارداد MIC تسریع کنم. البته تغییر و تحول فوق، بر روند کاری شما به عنوان مشاور من در امور مربوط به ایران تأثیر نخواهد گذاشت. امیدوارم در تابستان از ایران دیدن کنم.

رونالد الیس

[۴۷۹۵۱]

[۳۱]

[قرارداد حق المشاوره ریپورتر جهت فروش موشکهای رایپر]

به: جناب سر ریپورتر، تهران، ایران

اول ماه مارس ۱۹۷۰

آقای ریپورتر عزیز،

۱. بین ما توافق شد که از خدمات مشاوره‌ای شما، به منظور راهنمایی و کمک به ما در مورد معاملات کنونی با دولت ایران برای تهیه تجهیزات رایپر جهت آن دولت به تعدادی که قرار است درباره آنها توافق شود بهره‌مند شویم.

۲. از مذاکرات چنین برمی‌آید ما شما را به عنوان نماینده شرکت هواپیماسازی انگلیس منصوب نمی‌کنیم و همچنین خدمات شما برای ما صرفاً ناظر به معاملات حاصل از مذاکرات با شرکت هواپیماسازی انگلیس و دولت ایران جهت ملزومات سیستم دفاع هوایی رایپر است.

۳. شما باید، به هزینه خود، تمام اقدامات لازم در مورد مشاوره برای شرکت هواپیماسازی انگلیس در این معاملات را برعهده بگیرید.

۴. در صورتی که یک قرارداد معتبر و قابل اجرا برای خرید تجهیزات رایپر از سوی دولت ایران پیش از یکم ماه مارس ۱۹۷۱ با امضای توافقنامه قابل اجرا و قطعی برای تجهیزات مذکور منعقد شود، شرکت هواپیماسازی انگلیس کارمزدی به مبلغ ۴ درصد قیمت تجهیزات رایپر به شما خواهد پرداخت.

در چارچوب قرارداد مربوط به خدمات حمایتی هیچ‌گونه حق‌العاملی تعلق نخواهد گرفت.



جلسه مبادله قرارداد خرید تجهیزات نظامی بین ایران و انگلیس؛ علاوه بر مقامات انگلیسی، ریپورتر و ارتشبد طوفانیان نیز حضور دارند. [۱۱۰-۸۹۳ط]

۵. در صورتی که دولت ایران در قرارداد با شرکت هواپیماسازی مشخصاً ذکر کند نمایندگان یا واسطه‌ها نباید در هیچ بخشی از معاملات وارد شوند بدیهی است که شرکت هواپیماسازی انگلیس ملزم به پرداخت کارمزد اشاره شده در بند ۴ نخواهد بود.

۶. پرداخت کارمزد مذکور از سوی شرکت هواپیماسازی انگلیس به میزان تعیین شده در فوق انجام خواهد گرفت، البته بعد از آنکه شرکت هواپیماسازی انگلیس کارمزد را از دولت ایران دریافت کند. در صورتی که ثابت شود انعقاد قرارداد با ایران برای سیستمهای موشکی راپیر فقط به قیمتی اساساً پایین‌تر از قیمت‌های پیشنهادی شرکت هواپیماسازی انگلیس در بند ۱ مسیر خواهد بود، که نهایتاً هر دو طرف این قرارداد سعی در اجتناب از آن خواهند داشت، شرکت هواپیماسازی انگلیس می‌تواند از شما بخواهد تا با دریافت دستمزدی کمتر از آنچه در بند ۴ فوق اشاره شد موافقت نماید. چنین دستمزدی، با درصد کمتر، براساس یک تقسیم منصفانه فشار و سنگینی کار بین شرکت هواپیماسازی انگلیس و شما، تعیین می‌شود.

۷. یک دستمزد اضافی به مبلغ ۱۲۵/۰۰۰ پوند، به محض امضای یک قرارداد قطعی و قابل اجرا، همان‌طور که در بند ۴ شرح آن رفت، قابل پرداخت به شما خواهد بود و پرداختها، به میزان ۵۰/۰۰۰ پوند، به محض دریافت اولین قسط پس از امضای قرارداد صورت خواهد گرفت و باقیمانده به مبلغ ۷۵/۰۰۰ پوند به میزان ۲۵/۰۰۰ پوند همزمان با هر وجه دریافتی از دولت، پرداخت خواهد شد.

۸. توافقات مشروح در این نامه باید کاملاً محرمانه تلقی شود.

۹. آقای شاپور ریپورتر موافقت خود را با امضای دوباره دو نسخه اصلی امضا شده این نامه با شرایط ذکر شده در بالا، که کل مورد قرارداد را تشکیل می‌دهد، اعلام می‌دارد.

[امضاء]... از طرف شرکت هواپیماسازی انگلیس

[امضاء]... شاپور ای. ریپورتر اول ماه مارس ۱۹۷۰

به: جناب ش. ریپورتر

خ زرتشت ۶۵، خ پهلوی، تهران، ایران

آقای ریپورتر عزیز،

۱. بدینوسیله توجه شما را به قرارداد خدمات مشاوره‌ای خودمان مورخ اول ماه

مارس ۱۹۷۰، درباره فروش تجهیزات راپیر به دولت ایران معطوف می‌داریم.

۲. در مورد قطعات یدکی راپیر که در آینده از شرکت هواپیماسازی انگلیس خریداری خواهد شد و مکمل قرارداد و جدای از قرارداد فروش راپیر امضا شده به تاریخ هفتم ژوئن ۱۹۷۰ است، موافقت می‌کنیم کارمزدی به میزان چهاردرصد قیمت فاکتور فروش به نیروی هوایی ایران را به شما بدهیم.
۳. پرداخت دستمزد مذکور توسط شرکت هواپیماسازی انگلیس به نرخ ذکر شده در بند ۲ فوق انجام خواهد گرفت. و این در صورتی خواهد بود که دولت ایران مبالغ مورد توافق را به این شرکت پرداخته باشد.
۴. از آنجا که دولت ایران مشخصاً در شرایط قرارداد خرید با شرکت هواپیماسازی انگلیس با مسئولیت محدود خاطر نشان ساخته که نمایندگان یا واسطه‌ها نباید در هیچ‌بخشی از معاملات درگیر شوند، چنین استنباط می‌شود که شرکت هواپیماسازی انگلیس با مسئولیت محدود موظف نخواهد بود کارمزد تعیین شده در بند ۲ فوق را بپردازد.
۵. توافقات مشروح در این نامه باید کاملاً محرمانه تلقی شود.
۶. آقای شاپور ریپورتر موافقت خود را با موضوع و شرایط فوق با امضای دوباره در نسخه اصل امضا شده این نامه اعلام می‌دارد.

امضاء ... برای شرکت هواپیماسازی انگلیس با مسئولیت محدود

تاریخ: هشتم دسامبر ۱۹۷۱

[۴۷۷۴۳ تا ۴۷۷۴۱]

[۳۲]

[اعلام ناراضی مدیر شرکت هواپیماسازی بریتانیا از چگونگی مذاکرات فروش راپیر]

British Aircraft Corporation Limited^{۲۱}

GUIDED WEAPONS DIVISION

رئیس و مدیر عامل

به: آقای شاپور ریپورتر، لندن

یکم ژوئیه ۱۹۷۰

شاپور عزیز،

همان‌طور که برایتان توضیح دادم، نتیجه نهایی مذاکرات ما بسیار متفاوت با آن

۲۱. شرکت هواپیماسازی بریتانیا با مسئولیت محدود، بخش سلاح‌های هدایت‌شونده.

چیزهایی بود که هنگام مذاکرات اصلی مان با شما پیش‌بینی می‌کردیم. به طوری که احساس کردیم لازم است این مطالب جرح و تعدیل شوند تا، در نهایت، ما را از حمایت دو طرف به نحو مطلوبی مطمئن سازد.

از اینکه مشکلات ما را درک می‌کنید و نیز برای یاریتان به ما در رسیدن به نتیجه‌ای رضایتبخش از شما بسیار سپاسگزاریم. مطمئن هستیم همگی ما هر کار ممکن را انجام خواهیم داد تا همواره از ضرورت توسل به این یاری و حمایت اجتناب نماییم.

با بهترین آرزوها

ارادتمند شما

جی.آر. جفرسون^{۲۲}

[۴۷۷۴۴]

[۳۳]

[گزارش دیدار سه‌جانبه مقامات ایرانی و انگلیسی جهت فروش موشک راپیر به ایران]

دیدار سه‌جانبه ژنرال طوفانیان، سر لستر سافیلد و آقای جفرسون، سه‌شنبه ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳

مقدمه و زمینه

۱. پس از دیدار سال گذشته اعلیحضرت همایونی از انگلستان، شرکت هواپیماسازی بریتانیا (BAC) در ژوئیه ۱۹۷۲ تقاضای شما را دریافت و درصدد تهیه پیشنهادهایی برای تأمین رادارهای Blind fire برای سیستمهای دفاع هوایی موشکی ایران برآمد. پس از بررسیها، گفت‌وگوها و موافقتهای فنی با نیروی هوایی شاهنشاهی ایران، که نزدیک به یک سال به طول انجامید، پیشنهاد جامعی ارائه شد مبنی بر اینکه نیروی هوایی شاهنشاهی ایران باید برای ۵۴ سیستم دفاع موشکی خود، ۳۴ رادار Blind fire را در کوتاه‌ترین زمان ممکن تهیه نماید.

D/HDS/1/23



copy FOR
SIR SHARBAH

MINISTRY OF DEFENCE

Main Building, Whitehall, London SW1A 2HB

Telephone (Direct Dialling) 01-218 3042

(Switchboard) 01-218 9000

From: RONALD ELLIS, Head of Defence Sales

His Excellency General Hassan Toufanian
Vice Minister of War for Armaments
Saltanatabad
Iran

28 July 1977

Excellency,

I am writing in connection with the forthcoming discussions between the Military Industrial Organisation and MTS Limited related to accounting for the expenditure which has been incurred on the military industrial complex at Esfahan.

I have not of course examined in detail the MTS documents, which are enclosed with this letter; but I am aware of, and approve, the principles on which MTS are proceeding; and I very much hope that Your Excellency will find the statement acceptable. If on examination of it, Your Excellency should feel that you need to have it looked at in more detail, we would naturally welcome the appointment of auditors or other professional advisers for this purpose.

Finally, I think Your Excellency will agree that it is important to clear this matter up without delay so that we may together move forward quickly on this major project.

Yours sincerely

۲. در طی گفت‌وگوهایی با نیروی هوایی شاهنشاهی ایران، همچنین از ما خواسته شد تا نسبت به تأمین تسهیلات زیر اقدام نماییم:

الف - کارگاه مادر؛

ب - کارگاه مادر وسایل یدکی؛

ج - ۵۰۰ فروند موشک برای تجدید تدارکات و سوخت موشکهای مصرف شده در طول آموزش؛

۳. ارزش کل این تجهیزات که در اوایل سال جاری تأمین خواهد شد، ۴۹ میلیون پوند برآورد شد که با احتساب هزینه فوق‌العاده ارتقا سیستم آنها به ۷۲ میلیون پوند بالغ خواهد شد.

عکس‌العمل ایران

۴. برداشت من این است که اعلیحضرت همایونی، ژنرال خاتمی و خود شما (طوفانیان) شدیداً احساس می‌کنید که این قیمت کل بسیار بالاست. در نتیجه اعلیحضرت از شاپور ریپورتر خواست تا به من و وزارت دفاع بریتانیا اطلاع دهد که خواست اعلیحضرت تجدید نظر در قیمت رادارهای Blind fire است تا بتوانیم تخفیفی اساسی بگیریم. اعلیحضرت در سفر اخیر خود به لندن راجع به این موضوع با وزیر خارجه بریتانیا سر الکس داگلاس هوم مذاکره کرده است.

بازنگری

۵. من و سر لستر سافیلد موافقت کردیم به منظور بازنگری در کل پیشنهاد، کمیته مشترک وزارت دفاع بریتانیا و شرکت هواپیمایی بریتانیا را تشکیل دهیم. تا جایی که می‌دانم، کار این کمیته و نتایج اولیه آن از طریق شاپور ریپورتر به اعلیحضرت و خود شما گزارش داده شد و ما شخصاً مایلیم که بر نتایج به دست آمده تأکید ورزیم.

۶. هدف از تلاشهای ما یافتن راه‌حلی بوده است تا از آن طریق قیمت تجهیزات را بتوان کاهش داد بدون اینکه در هر حال از کیفیت کار سیستم رادار Blind fire Rapier پیشنهادی کاسته شود. این کار اساساً با سه تغییر صورت گرفته است: اول درنگ و تأخیر در برنامه تحویل، ما را قادر ساخت تا قیمت رادار رهگیر (Tracker) را کاهش دهیم. دوم بررسی مجدد هزینه تعمیر و نگهداری و تمهیدات اضافی، با توجه به تجربه اداره خدمات بریتانیا در سال جاری و نظر به تعمیر و نگهداری در محل، سوم بررسی دقیقتر

در تدارک مالی مقتضی برای ارتقا و اصلاح در طول مدت قرارداد. به علاوه، سعی کرده‌ایم با جدا کردن دقیق در پیشنهاد این قیمت‌های فعلی و آن قیمت‌های همراه با اقلام اضافی مورد درخواست برای تجهیزات مناسب، قیمت‌های فعلی رادار Blind fire را مشخص سازیم.

قیمت رادار

۷. به منظور برآوردن نیازهای نیروی هوایی شاهنشاهی ایران در تحویل هرچه زودتر تجهیزات به آنها، برنامه اصلی ما تهیه رادارهای اولیه برای ایران از اولین سری برنامه تولید بود. برنامه تولید این رادار در دو مرحله طراحی شده است. مرحله اول، که مستلزم استفاده از تجهیزات دستی آزمایش در چرخه تولید است، در پی مرحله آزمایش تولید خودکار صورت می‌گیرد که با صرفه‌تر نیز هست.

بنابراین، تصدیق خواهید کرد که قیمت اولین سری از رادارهای این خط تولید هم به علت تولید با روشهای آزمایش دستی و هم به این علت که نیروی کار تولید در آن هنگام در کاربرد روشهای لازم برای تولید این قطعات بسیار پیچیده کاملاً کارآمد نشده‌اند، به طور قابل ملاحظه‌ای گران‌تر خواهد بود.

ما، با توجه به لزوم یافتن برخی راههای مقرون به صرفه برای قیمت کل، پیشنهادهای اصلی خودمان را اصلاح کردیم به طوری که تحویل رادارها به شما تقریباً شش ماه به تأخیر خواهد افتاد تا به موجب آن از تضمین هزینه‌های سری اول تولید این رادارها که بالطبع گران‌تر است جلوگیری شود.

این تنظیم برنامه این امکان را به ما داده است که قیمت فروش رادار به نیروی هوایی شاهنشاهی ایران را تا تقریباً پنج درصد کاهش دهیم، به عبارت دیگر، قیمت پایه رادار به تقریباً ۳۳۸/۰۰۰ پوند کاهش پیدا کند که با قیمت لوازم جانبی ضروری از جمله وسایل نقلیه، ژنراتورها و دیگر لوازم کمکی، قیمت تقریبی آن به ۳۷۳/۰۰۰ پوند بالغ خواهد شد.

همچنین کل برنامه تحویل را مورد بررسی قرار داده‌ایم و پیشنهادی که در حال حاضر تقدیم شده است، اگرچه تحویل‌های آغازین با شش ماه تأخیر همراه است ولی در کل تحویلها بیش از سه ماه تأخیر به وجود نخواهد آمد.

۸. اجازه می‌خواهم به پیشرفتهایی که از زمان ارائه اولین پیشنهاد حاصل شده اشاره کنم. اداره خدمات بریتانیا، در سال جاری با استفاده از یک باطری Rapier Pilot،

کاربردهای عملی اصول تاکتیکی و تکنیکی سیستم راپیر را مورد آزمایش قرار داده است. اصول کامل تعمیر و نگهداری در محل، مورد آزمایش کامل قرار گرفت که شامل کاربرد خط اول خدمات، همراه و بدون FRTV و خط دوم خدمات (BRTF) و وقفه‌های مورد نیاز برای مونتاژها و یدکهای مورد احتیاج تعمیر و نگهداری در سطوح باطری و مخزن می‌باشد. مطالعات و تجربه آنها عیناً در اختیار شرکت هواپیمایی بریتانیا قرار گرفته است، و ما خوشبختانه توانستیم این تجربیات و مطالعات را به هنگام تجدید نظر در پیشنهاد خدمات پشتیبانی در مورد سیستم Blind Fire مدنظر قرار دهیم. این تجربیات، همراه با موفقیت به دست آمده اولیه در مورد قابل اطمینان بودن طرح منظور برای مواد و قطعات در شرایط کارگاهی که در ابتدا محتمل به نظر رسیده بود، به تخفیفهای اساسی در هزینه قطعات و تجهیزات اضافی تعمیر منجر شده است.

۹. مقیاس‌بندی مجدد و محاسبات ناشی از این تفسیر در مورد سرویس تعمیر و نگهداری در محل کاهش نزدیک به ۶/۸ میلیون پوند، مورد نیاز برای برنامه تجهیز سیستم دفاع هوایی موشکی به رادار Blind fire را نشان داده است.

۱۰. این مقیاس‌بندی مجدد تجهیزات اصلی و یدکیها، بدون کاهش در نیازهای مورد توافق قبلی برای تجهیزات عملیاتی یا مدت زمان پشتیبانی یدکیها انجام گرفته است. این پیشنهادها از سوی شعب فنی اجرای تدارکات وزارت دفاع بریتانیا مورد بررسی قرار گرفته است که با توجه به تجربه اخیر که پیش از این به آن اشاره شد، اعتبار ارزیابی مجدد ما را مورد تصدیق قرار داده‌اند و مطمئنم که سرلستر سافیلد می‌تواند در این زمینه به شما اطمینان دهد.

ارتقا

۱۱. در خاتمه اجازه بدهید به موضوع ارتقا اشاره کنم. در صورت امکان، پیش‌بینی اینکه چه درجه‌ای از ارتقا احتمالاً در انگلستان بین زمان حاضر و ۱۹۷۹ رخ خواهد داد امر بی‌نهایت دشواری است.

در هر حال، این روزها، ارتقا یک واقعیت بین‌المللی است و بنابراین، عاقلانه است که در قرارداد تدارکات مبلغ عادلانه‌ای برای ارتقا و نیز برای اصلاحات احتمالی در نظر گرفته شود تا آن را بتوان به صورت اعتبار مالی تلقی کرد و دولت ایران از نرخ بهره امتیازی متعلق به این اعتبار مالی بهره‌مند شود.



غلامعلی اویسی و شاپور ریپورتر در جمع نظامیان انگلیسی در یک مانور نظامی [۱۶۸۵-۸۹۳ط]

۱۲. در آخرین جلسه، فقط درباره رقم فرضی افزایش پنجاه درصدی با هم صحبت کردیم. اما گفتیم که ما محاسبات تفضیلی را انجام خواهیم داد که پرسنل شما می‌توانند آن را کنترل نمایند و این محاسبات شاید بتواند رقم درصد کمتری که قابل توجیه هم باشد، نشان دهد.

۱۳. در حال حاضر این محاسبات انجام شده و تجزیه و تحلیل مقیاسهای زمانی در ارتباط با اقلام مختلف در پیشنهادی که برایتان ارسال شده صورت گرفته است. در انجام این محاسبات، از شاخص ورودی مرکب DTI در صنعت هوافضا که به عنوان شاخص کاربردی در قرارداد حاضر ما مورد توافق قرار گرفته و در نامه یازدهم سپتامبر ۱۹۷۲ سر لستر سافیلد به شما بدان اشاره شده بود، استفاده شده است. این شاخص، به خصوص در سه سال گذشته، به طور متوسط سالانه نه درصد افزایش یافته است. همانگونه که گفته شده است، پیش‌بینی دوره ارتقا آتی، آن هم با اطمینان، امری بی‌نهایت دشوار است. اما اگر فرض بگیریم که نرخ نه درصد که در سه سال گذشته معتبر بوده است در طی پنج سال و نیم مدت قرارداد ادامه یابد، در این صورت این نرخ افزایش سی و نه درصدی را نشان می‌دهد که نقطه مقابل پنجاه درصدی مورد گفت‌وگو در زمان تسلیم پیشنهاد است، به عبارت دیگر، کاهش یازده درصدی نسبت به آنچه که قبلاً گفت‌وگو شده بود.

۱۴. حجم ذخیره احتمال برای ارتقا که در مفاد قرارداد گنجانده شده البته موضوعی است که به خود شما مربوط می‌شود ولی با این حال پیشنهاد می‌کنیم که به منظور داشتن احتمال مناسب تأمین مالی برای همه این هزینه‌ها با نرخ بهره امتیازی، حداقل سی و پنج درصد قیمت قرارداد پایه را پوشش می‌دهد. همچنین لازم است در ماده شرط احتمال، هزینه‌ای را برای اصلاحات و بهبود سیستم در نظر گرفت. این بهبود و اصلاح سیستم در طول دوره قرارداد لازم است و برای روزآمد نگه‌داشتن سیستم، ضروری است. از این رو پیشنهاد می‌کنیم که هزینه‌ای معادل پنج درصد برای بهبود سیستم منظور شود که مجموع ذخیره احتمال چهل درصد قیمت پایه قرارداد را تشکیل خواهد داد. این همان رقمی است که ما استفاده کرده‌ایم.

۱۵. اینها شامل ملاحظات من درباره تغییرات در تبدیل برنامه و تخفیف پیامد آن در قیمت است (در ضمیمه A خلاصه شده است). حال می‌توانیم یا درباره اینها گفت‌وگو کنیم یا من ادامه بدهم چون یکی دو مورد دیگر هست که کل تحقیقات ما را کامل خواهد کرد.

تسهيلات مازاد بر راپير

۱۶. نيروي هوايي شاهنشاهي ايران، بدون توجه به اينكه آيا تجهيزات Blind fire خريداري شود يا خير، ماييل است موشكهاي اضافي ديگري همراه با يك كارگاه مادر و تسهيلات پرداخت مجدد موشك خريداري نمايد.

بايد توجه داشت كه در تسهيل برنامه تبديل، كارگاه مادر، امري مهم است و همه برنامه ريزي براساس اين فرض است.

ما همه اين تجهيزات را به تفصيل مورد مطالعه و بررسي قرار داديم ولي هيچگونه تخفيفي در مقياس يا قيمت امكان پذير نيست.

در هرحال، عاملهاي ارتقا مرتبط با اين برنامه تبديل بر همان اصلي كه قبلاً به آن اشاره کرده‌ام تعديل شده است و در تداركات ارتقا سيستم يك ميليون پوند کاهش را نشان مي دهد.

خلاصه هزينه اين اقلام در ضميمه B نشان داده شده است.

خلاصه قيمتها

۱۷. نتايج كل بررسيهاي مشترك شركت هواپيمايي و وزارت دفاع بریتانیا کاهش قيمت در موارد زير را نشان مي دهد:

الف - در برنامه تبديلي، کاهش ۲۳/۸ درصدی

ب - در لوازم جاني راپير، کاهش ۸/۳ درصدی

ج - در كل سيستم، کاهش ۲۱/۲ درصدی

۱۸. اطمینان دارم كه بر پایه توضيحات فوق، اين پيشنهادهای تجديد نظر شده كه سر لستر و من روي آنها كار كرديم و كاملاً از سوي اداره اجراي تداركات وزارت دفاع بریتانیا، هم از نظر محتوای فنی و هم از نظر سطح قيمت اعلام شده، مورد تأييد است، به عنوان پایه ای برای مذاكرات قرارداد قابل قبول خواهد بود. هم به دلايل مالي و هم تجهيزات، مهم است كه ما براساس قيمتهای تجديد نظر شده برای پيشنهادهای خود تلاش كنيم و در اصل آنها را بپذيريم و همچنين پرسنل مربوط مطالعات مشروح قرارداد را با اين نظر كه قراردادها در يك يا دو ماه منعقد مي شوند برعهده بگيرند.

[۴۷۷۵۹ تا ۴۷۷۵۰]

[قرارداد حق المشاوره رپورتر جهت فروش رادار بلایندفایر راپیر]

British Aircraft Corporation Limited

GUIDED WEAPONS DIVISION

به: سر شاپور رپورتر، تهران، ایران

اول ژانویه ۱۹۷۴

[موضوع: رادار بلایندفایر راپیر]

سر شاپور عزیز،

۱. ما به مذاکراتی اشاره می‌کنیم که بین خودمان و وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران در خصوص خرید احتمالی تجهیزات صورت می‌گیرد و هدف از این خرید تبدیل سیستم دفاع هوایی مخصوص ارتفاعات کم، که دولت شاهنشاهی ایران طی قرارداد مورخ ۱۹ اوت ۱۹۶۹ خریداری نموده است، با سیستم بلایند فایر و تجهیزات پشتیبانی کننده خاص اضافی و موشکهای راپیر می‌باشد.

۲. خوشحالیم از اینکه انتصاب شما به عنوان مشاور را به اطلاعاتان برسانیم تا با توجه به، مذاکرات یاد شده ما را کمک و راهنمایی نمایید.

۳. بدیهی است که شما نماینده شرکت هواپیماسازی بریتانیا با مسئولیت محدود نیستید و ابقاء شما توسط ما به مذاکرات ویژه یاد شده در بالا مربوط است. شما نمی‌توانید از جانب شرکت هواپیماسازی بریتانیا هیچ‌گونه تعهدی را بپذیرد.

۴. طی مدت این قرارداد نباید در فعالیتهایی شرکت کنید که برخلاف منافع شرکت هواپیماسازی بریتانیا راجع به امور اشاره شده در بند یک که در بالا به آن اشاره شد، باشد.

۵. شما باید به هزینه خودتان کلیه فعالیتهای لازم را در کمکی که در این مذاکرات به ما ارائه خواهید داد انجام دهید.

۶. در صورتی که قرارداد معتبری برای خرید تجهیزات اشاره شده در پاراگراف یک توسط وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران امضا نشود یا بیش از ۳۱ دسامبر ۱۹۷۴ بی‌اعتبار گردد، این قرارداد در همان ۳۱ دسامبر ۱۹۷۴ فسخ خواهد شد مگر آنکه با

رضایت دوطرف تمديد شود.

۷. در صورتی که مذاکرات خرید تجهیزات راپير اشاره شده در پاراگراف یک فوق توسط وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران با اجرای یک قرارداد فروش معتبر و قابل اجرا تا پیش از ۳۱ دسامبر ۱۹۷۴ با موفقیت انجام گیرد چهاردرصد از مبلغی را که برای کل قیمت قرارداد چنین تجهیزاتی دریافت کرده‌ایم به شما می‌پردازیم. هیچ مبلغی بابت خدمات جانبی‌ای که، طبق مذاکره، تحت عنوان قرارداد جداگانه یا قرارداد دیگری انجام نگیرد، پرداخت نخواهد شد.

۸. ما مبلغ ۱۹۳/۴۵۲ پوند دیگر نیز پس از امضای قرارداد فروش قابل اجرا و معتبر و دریافت اولین پرداخت نقدی طبق چنین قراردادی به شما خواهیم پرداخت.

۹. مبلغی که در بندهای ۷ و ۸ بدان اشاره شد به ترتیب زیر به شما پرداخت خواهد شد:

الف) مبلغ ۱۹۳/۴۵۲ پوند که مبلغ اضافی اشاره شده در بند ۸ فوق است، سی روز پس از دریافت پرداخت نقدی اشاره شده در بند ۸ فوق، پرداخت خواهد شد.

ب) چهاردرصد از اقساط ارزش قرارداد اصلی را که وزارت جنگ مستقیماً به ما خواهد پرداخت، سی روز پس از دریافت این اقساط به شما خواهیم پرداخت.

ج) چهاردرصد از تنمۀ قیمت قرارداد اصلی که با چکهای ما برای ساختمان دردست احداث توسط دولت ایران و شرکت برادران لازارد و شرکا قرار است پرداخت شود در چند قسط به شما پرداخت خواهد شد که هر قسط برای سهولت مبلغی معادل با چهاردرصد مبلغی است که طی یک دوره شش ماهه که تا ۳۰ ژوئن یا ۳۱ دسامبر سال تقویمی پایان می‌یابد از شرکت لازارد دریافت می‌کنیم. اقساط مربوط به چکهای تا تاریخ ۳۰ ژوئن سال تقویمی در ۱۲ اوت همان سال پرداخت خواهد شد. اقساط مربوط به چکهای تا تاریخ ۳۱ دسامبر هر سال در ۱۲ فوریه سال بعد پرداخت خواهد شد.

د) چهاردرصد از مبلغی که از راه تعدیل نرخها نسبت به قرارداد قیمت پایه دریافت می‌کنیم در چند قسط به شما پرداخت می‌شود که هر قسط معادل با چهاردرصد از مبالغ دریافتی توسط ماست که از طریق تعدیل نرخها طی یک دوره شش ماهه که در ۳۰ ژوئن یا ۳۱ دسامبر هر سال تقویمی پایان می‌یابد، به دست می‌آید. اقساط مربوط به تعدیل نرخها تا ۳۰ ژوئن هر سال در ۱۲ اوت آن سال به شما پرداخت می‌شود. اقساط مربوط به تعدیل نرخها تا ۳۱ دسامبر هر سال در ۱۲ فوریه سال بعد پرداخت می‌شود.

۱۰. بدینوسیله قراردادمان را تحکیم می‌بخشیم که اگر پس از شرکت در یک قرارداد فروش معتبر و قابل اجرا در دولت شاهنشاهی ایران هر بانکی تحت چنین قراردادی این قرارداد را ضمانت کند یا از شرکت هواپیماسازی بریتانیا برای پرداخت به دولت ایران کمک خواسته شود، شما مبلغی کمتر از موارد زیر را به شرکت هواپیماسازی خواهید پرداخت:

الف) مبلغی معادل با مجموع تمام پرداختهایی که تحت شرایط بند ۹ (الف) و (ب) به شما پرداخت شده است، در تاریخ این بازپرداخت همراه با سود مربوط به آن به میزانی معادل با میزان اصلی سود روزبه‌روز بانک میدلند که از تاریخ پرداخت به شما تا تاریخ بازپرداخت به ما گاهی قابل اجرا است، بخش کمی از میزان ۲۷/۷۳ صدم از مبلغ پرداختهایی که تحت شرایط بند ۹ (ج) به شما پرداخته‌ایم.

ب) مجموع مبالغی که تحت ضمانتهای مذکور توسط بانک میدلند و تحت قرارداد توسط شرکت هواپیماسازی بریتانیا در تاریخ این بازپرداختها به دولت ایران پرداخت شده است.

۱۱. برای تحکیم بیشتر قرارداد خاطر نشان می‌شود تمام مبالغی که تحت شرایط بند ۹ به شما پرداخته‌ایم به ستون بستانکار حساب شما در بانک کلین‌ورت بنسون پرداخت می‌کنیم و شما از بانک مذکور بخواهید ضمانتنامه بی‌قید و شرطی برای ما تهیه کند که مبلغ پرداختی به ما را که در بند ۱۰ (الف) فوق بدان اشاره شد بلافاصله پس از دریافت تقاضای کتبی توسط شرکت هواپیماسازی بریتانیا تضمین نماید.

۱۲. موافقت و اعلام می‌شود که این قرارداد، مخصوص خدمات خارج از انگلستان است.

۱۳. توافقات مشروحه باید کاملاً محرمانه تلقی شود.

۱۴. این نامه و قرارداد مذکور در آن طبق قوانین انگلستان معتبر و قابل اجرا خواهد بود و مستلزم کسب رضایت بانک انگلستان طبق آیین نامه‌های نظارت بر معاملات می‌باشد.

لطفاً با امضای نسخه ضمیمه این نامه موافقت خود را با شرایط فوق اعلام دارید و آن را به ما باز گردانید.

از طرف شرکت هواپیماسازی بریتانیا

جی.آر. جفرسون

[۴۷۷۶۵ تا ۴۷۷۶۲]

(8)

British Aircraft Corporation Limited

SIX HILLS WAY STEVENAGE HERTFORDSHIRE SG1 2DA

GRJ/BMB

Telephone Stevenage 2422

Telex 825125/6

G. R. JEFFERSON, C.B.E.
Managing Director (Guided Weapons)

22nd November, 1976.

Sir Shapoor Reporter K.B.E.,
C/o Head of Defence Sales' Office,
Ministry of Defence,
Main Building,
Whitehall,
LONDON SW1.

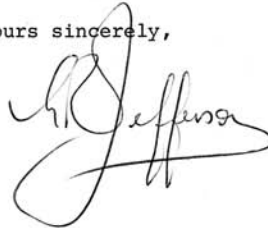
Dear Sir Shapoor,

On the successful conclusion of our Tracked RAPIER agreements with the relevant Imperial Iranian Authorities, I wish to pay a very special tribute to you in co-ordinating the many and intricate aspects of our negotiations with the Iranian Authorities. My colleagues and I much appreciated the benefit of your advice in the various stages of our discussions with top ranking Iranian Ministers and officials, both in Iran and abroad.

We of B.A.C. are fully conscious of the importance that His Imperial Majesty attaches to this project, not only as a vital defence system, but also as a major exercise in the transfer of high technology by U.K. to Iran. I wish to assure you that we shall do all we can to continue to be worthy of the trust and confidence placed by His Imperial Majesty in us. We look upon our association with Iran on a very long-term basis and look forward to an ever expanding scope of our partnership.

With kind personal regards,

Yours sincerely,



Registered in London. Registration No: 774349
Registered Office: 100 Pall Mall, London, SW1Y 5HR

سند شماره ۳۵: نامه تشکرآمیز مدیرعامل هواپیماسازی بریتانیا از تلاشهای ریپورتر جهت فروش موشکهای راپیر

[نامه تشکر آمیز مدیرعامل هواپیماسازی بریتانیا از رپورتو جهت فروش موشکهای راپیر به ایران]

British Aircraft Corporation Limited

جی.آر. جفرسون

مدیرعامل

به: سر شاپور رپورتو، شوالیه امپراتوری بریتانیا

به توسط رئیس اداره فروش وزارت دفاع

وزارت دفاع، ساختمان اصلی، وایت هال، لندن

۲۲ نوامبر ۱۹۷۶

سر شاپور عزیز،

با توجه به خاتمه موفقیت آمیز توافقهایمان درخصوص راپیرهای ردیاب با مقامات مربوط در ایران، مایلم وجه کاملاً مخصوصی را به پاس هماهنگ ساختن بسیاری از جوانب پیچیده مذاکراتمان با مقامات ایرانی به عنوان تقدیر به شما بپردازم. من و همکارانم از شما به خاطر نتایج توصیه‌هایتان در مراحل مختلف مذاکراتمان با وزیران و مقامات عالی رتبه ایرانی، هم در ایران و هم در خارج، بسیار سپاسگزاریم.

ما کارکنان شرکت هواپیماسازی بریتانیا کاملاً به اهمیتی که اعلیحضرت همایونی برای این پروژه، نه تنها به عنوان یک سیستم دفاعی اساسی بلکه به عنوان انتقال تکنولوژی پیشرفته از بریتانیا به ایران، قائل است، واقف هستیم. مایلم به شما اطمینان خاطر دهم که ما هرآنچه را که در توان داریم برای حفظ اعتماد و اطمینان اعلیحضرت به خود، انجام خواهیم داد. ما به همکاری بلند مدت خود با ایران امیدوار هستیم و مایلم دامنه مشارکت خود را گسترده‌تر سازیم.

با درودهای صمیمانه خاص

ارادتمند

جی.آر. جفرسون

[۴۷۸۷۳]

[۳۶]

[تعیین مبلغ حق العمل مشاوره ریپورتر جهت فروش تانکهای اسکورپیون به ایران]

BRITISH LEYLAND TRUCK AND BUS DIVISION LIMITED^{۲۳}

کاملاً خصوصی و محرمانه

به: آقای آر. ریپورتر، ایران

۱۲ اکتبر ۱۹۷۲

آقای ریپورتر عزیز،

بسیار سپاسگزارم که نامه بیست و یکم ژوئیه ۱۹۷۲ مرا به من بازگرداندید. نظر به شرایط خاصی که درگیر آن هستیم و شما کاملاً از آن با خبرید، من بدینوسیله موافقت می‌کنم تا به میزان ۱٪ درصد (نیم درصد) از کل ظرفیت لیلاند در ۲۵۰ اسکورپیون وسایل نقلیه مخصوص شناسایی مجهز به زنجیر که ایران سفارش داده است به عنوان حق مشاوره به شما پرداخت شود. همان‌گونه که قبلاً بین ما توافق شد، پس از تأیید سفارش، نحوه پرداخت و وجه به طور دو جانبه مورد توافق قرار خواهد گرفت. این نامه به جای نامه ۲۱ ژوئیه ۱۹۷۲ من است.

ای.تی. وبستر

بخش فروش اتوبوس و کامیون - مدیر فروش و بازاریابی

[۴۷۷۳۴]

[۳۷]

[تعیین حق العمل ریپورتر جهت فروش بیسیمهای تانک اسکورپیون]

RACAL^{۲۴}

BRITISH COMMUNICATIONS CORPORATION LIMITED

خصوصی و محرمانه

به: آقای شاپور ریپورتر، لندن

۲۰ اکتبر ۱۹۷۲

۲۳. بخش کامیون و اتوبوس شرکت لیلاند با مسئولیت محدود.

۲۴. راکال، شرکت مخابرات بریتانیا با مسئولیت محدود.

شاپور عزیز،

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که به موجب توافق جدید ما، سه درصد از کل مبلغ قرارداد در حال مذاکره ما با دولت ایران درخصوص نصب تأسیسات رادیویی BCC 301 VRQ در اسکورپیون به شما تعلق می‌گیرد.

از قرار معلوم صحبت از ۲۵۰ فروند اسکورپیون در میان است ولی از آنجا که قرارداد ۱۵۰ تا ۲۰۰ اسکورپیون دیگر در آینده معامله شود این قرارداد می‌تواند تعداد بیشتری از بی‌سیمهای مورد نیاز را دربرگیرد.

ارادتمند شما
اف.پی. نوردین^{۲۵}

مدیر شرکت

[۴۷۶۸۲]

[۳۸]

[حق العمل ریپورتر بابت فروش تانکهای اسکورپیون از سوی وزارت دفاع انگلیس]

Millbank Technical^{۲۶}

Services Limited

به: سر شاپور ریپورتر

۶ سپتامبر ۱۹۷۳

سر شاپور عزیز،

پیرو امضای قراردادها بین وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران و بخش خدمات فنی میلبانک به تاریخ پانزدهم ژوئیه ۱۹۷۳ جهت ساخت تانکهای اسکورپیون و مهمات، مایلم ترتیباتی را که جهت بازپرداخت حق مشاوره شما اتخاذ شده به اطلاعتان برسانم.

در قرارداد تانکهای اسکورپیون و قطعات یدکی، قیمت فوب (FOB) پایه کالاها

25. F.P. Nurdin.

۲۶. این سازمان مسئول منعقد کردن معاملات نظامی میان دولت انگلیس و کشورهای جهان سوم بود که خدمات فنی میلبانک و یا به اختصار MTS نامیده می‌شد.



BRITISH LEYLAND TRUCK AND BUS DIVISION
Limited

Berkeley Square House
Berkeley Square, LONDON W 1

01 - 499 - 6050

Leyland, Preston PR5 1SN · phone: Leyland 21400 · telex: 67655 · grams: Leymotors, Leyland Telex

ATW/EL

12th October 1972

STRICTLY PRIVATE AND CONFIDENTIAL

Mr R Reporter
I R A N

Dear Mr Reporter,

Thank you very much for returning to me my letter of the 21st July 1972.

In view of the special circumstances involved and of which you are fully aware, I hereby agree to pay you a consultancy fee of $\frac{1}{2}\%$ (half percent) of the total Leyland content in the 250 Scorpion tracked reconnaissance vehicles to be ordered by Iran. As already agreed between us the schedule of payment will be mutually agreed when the order is confirmed.

This letter supersedes my letter of the 21st July 1972.

Yours sincerely,

A T WEBSTER
DIRECTOR - SALES & MARKETING
TRUCK AND BUS DIVISION

۱۴/۰۴۴/۳۷۵ پوند است و هزینه حق مشاوره شما به میزان یک درصد از کل مبلغ به ۱۴۰/۴۴۴ پوند بالغ می‌شود. این مبلغ در هفت قسط پرداخت خواهد شد. اولین قسط بمبلغ ۲۶/۰۰۸ بلافاصله پس از دریافت اولین دریافت مستقیم ما از خریدار، صورت خواهد گرفت. پنج قسط بعدی هر یک به مبلغ ۲۰/۸۰۶ پوند است که باز هم مرتبط با پرداختهای مستقیم از سوی خریدار، در ماههای مارس و سپتامبر ۱۹۷۴ و مارس و سپتامبر ۱۹۷۵ و مارس ۱۹۷۶ پرداخت خواهد شد. و آخرین قسط به مبلغ ۱۰/۴۰۶ پوند را در سپتامبر ۱۹۷۶ به شما خواهیم پرداخت.

در قرارداد مربوط به مهمات، قیمت فوب پایه کالاها ۱/۷۴۶/۸۷۵ پوند است و هزینه حق مشاوره شما به میزان یک درصد از بالغ بر ۱۷/۴۶۹ پوند خواهد بود. ترجیح می‌دهم جداگانه درباره جزئیات دقیق کل پرداختهای این مبلغ برایتان شرحی بنویسم. این بدان جهت است که وزارت جنگ یک برنامه فوری برای تحویل این مهمات و تسلیحات خواسته است که بر برنامه پرداختها به شرکت خدمات فنی میلبانک (MTS) نیز تأثیر می‌گذارد. به هر حال، ما انتظار داریم که پرداخت دستمزد در دو قسط صورت پذیرد. پرداخت مبالغ یاد شده، طبق معمول، از طریق واریز به حساب خارجی در لندن انجام خواهد گرفت. مانند موارد معاملات قبلی، ترتیبات فوق تنها در صورتی به مورد اجرا در خواهند آمد که شرایط ذکر شده در قراردادها رعایت شود و اگر اصلاحات اساسی در آنها صورت گرفت، خواه در مورد ارزش قرارداد و خواه شرایط آنها به گونه‌ای که کل شیوه‌های مالی آنها تغییر یابد، نیاز خواهد بود که تجدیدنظری در وضع موجود صورت گیرد. ارادتمند شما
ا.ج.تی. بالکلی

[۴۸۰۵۵]

[۳۹]

[تقاضای مشاوره شرکت کاستین از ریورتر جهت انجام پروژه چاپهار]

Richard Costain Limited

به: سر شاپور ریورتر، لندن

۱۵ نوامبر ۱۹۷۳

شاپور عزیز،

پیرو مذاکرات مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۷۳ و تأکید جناب عالی بر اجرای فرمان جدید

شاهانه از دریافت پیشنهادهای شما درخصوص روند صحیح پیگیری اهداف خود مبنی بر ارائه خدمات به نیروی دریایی شاهنشاهی ایران جهت احداث بندر جدید چابهار^{۲۷} خشنود خواهیم شد.

اوایل امسال آقای هرمز ثابت،^{۲۸} آقای بهمن عطایی^{۲۹} نماینده مجلس و پیمانکار ایرانی را به ما به عنوان همکار احتمالی معرفی کردند. همکار من، آقای پیتترلدر، در تاریخ نهم اوت ۱۹۷۳ به دربار رمزی عطایی نامه‌ای (رونوشت آن ضمیمه است) حاکی از علاقه جدی ما به پروژه نوشت و جزئیات توانایی ما را برای کار با بهره‌گیری از تجارب جهانی خود در احداث اسکله و لایروبی، کار در ایران و کار برای نیروی دریایی شاهنشاهی مطرح ساخت او هدف اصلی ما، یعنی همکاری با یک پیمانکار ایرانی را نیز عنوان کرد.

با سابقه کار طولانی در ایران و الزام خود به رعایت قوانین و ضوابط قراردادها، از شما تقاضا می‌کنیم که ما را به بهترین شیوه ممکن در این قرارداد تدافعی مورد انتظار راهنمایی کنید.

ضمناً کارهای مربوط به قرارداد حفرة‌های دریایی در چابهار، که پیتترلدر در بند نخست نامه خود به آن اشاره کرده است، زودتر از زمان موعد تکمیل شده و موجب خشنودی کامپساکس مشاوران نیروی دریایی شاهنشاهی ایران گردیده است.

با کمال احترام

ارادتمند

ترل وایات^{۳۰}

مدیرکل امور اجرایی بین‌المللی

[۴۸۰۸۵]

۲۷. بندر چابهار قرار بود به بزرگ‌ترین پایگاه هوایی و دریایی در اقیانوس هند تبدیل شود و به قول شاه این پایگاه از ورودی خلیج فارس دفاع می‌کرد. آلکسی واسیلیف. مشعلهای خلیج فارس. ترجمه سیروس ایزدی. تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۸. ص ۱۴۲.

۲۸. هرمز ثابت فرزند حبیب‌الله ثابت پاسال از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران آن زمان ایران بودند که بزرگ‌ترین پیمانکارهای ساختمانی و غیره را در دست داشتند.

۲۹. مهندس بهمن عطایی نماینده سه دوره مجلس شورای ملی (۲۱ تا ۲۳) از ماهشهر.

30. Terrel Wyatt.

[۴۰]

[ابراز رضایت شرکت کاستین از عملکرد ریپورتر]

Richard Costain Limited

به: سر شاپور ریپورتر، صاحب نشان فرمانده شوالیه امپراتوری بریتانیا، K.B.E.

تهران، ۳۰ مه ۱۹۷۵

سر شاپور عزیز،

بسیار خوشحال شدم از اینکه از شما شنیدم که نقش کاستین و مشارکت آن در پروژه چابهار مورد رضایت مقامات ایران و تمامی طرفهای مربوط واقع شده است. این جانب سپاس فراوان خود را نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه به خاطر علاقه شخصی ایشان و نیز اعتمادی که به کاستین کردند ابراز می‌دارم. ما تمام توان خود را برای تکمیل موفقیت آمیز این پروژه به کار خواهیم برد و امیدواریم که مذاکرات جاری درباره قرارداد با سازمان برنامه و نیروی دریایی شاهنشاهی ایران به سرعت به انجام برسد. با احترامات فائقه ارادتمند

جی. پی. سودن ۳۱

[۴۸۰۸۶]

[۴۱]

[قرارداد حق العمل ریپورتر از بابت فروش هواپیمای کنکورد]

British Aircraft Corporation Limited

به: شاپور ریپورتر، لندن

نهم فوریه ۱۹۷۲

آقای ریپورتر عزیز،

۱. چنین توافق شده است که در جهت کمک و راهنمایی ما در مورد مذاکرات جاری



مانور نظامی تانک اسکورپیون مقابل شاپور ریپورتر و ارتشبد طوفانیان و دیگر مقامات انگلیسی و ایرانی؛
این معامله شیرین نیم درصد سود خالص برای ریپورتر در پی داشت. [۷۰-۸۹۳ط]

با ایران در خصوص تهیه هواپیمای کنکور به تعدادی که تاکنون با آن موافقت شده است از خدمات مشاوره‌ای جناب‌عالی بهره‌مند شویم.

۲. بنا بر توافق موجود، شما را به عنوان نماینده شرکت هواپیماسازی بریتانیا منصوب نمی‌کنیم و ابقاء شما در این سمت از جانب ما صرفاً به گفت‌وگوهای حاصل از مذاکرات بین شرکت هواپیماسازی بریتانیا و شرکت ایران ایر در خصوص خرید کنکور بستگی دارد.

۳. شما به هزینه خودتان باید کلیه امور لازم در مورد کمکتان به شرکت هواپیماسازی بریتانیا را در این گفت‌وگوها انجام دهید.

۴. در صورتی که قرار داد معتبر و الزام‌آوری برای خرید کنکور از سوی ایران ایر با موفقیت منعقد گردد، شرکت هواپیماسازی بریتانیا مبلغ چهار درصد از قیمت کنکور را به شما پرداخت خواهد کرد. هرگونه هزینه‌های شامل در قرارداد که به خدمات پشتیبانی مربوط شود، مزدی برای شما در بر نخواهد داشت.

۵. در صورتی که شرکت ایران ایر در قرارداد با شرکت هواپیماسازی بریتانیا به ویژه قید کند که نمایندگان یا واسطه‌ها نباید در هیچ بخشی از مذاکرات دخالت کنند چنین استنباط می‌شود که شرکت هواپیماسازی بریتانیا ملزم به پرداخت هزینه مذکور در بندها نخواهد بود.

۶. پرداخت هزینه مذکور به توسط شرکت هواپیماسازی بریتانیا از سوی ایران ایر صورت خواهد گرفت. در صورتی که مشخص شود قراردادی ارزان‌تر از پیشنهاد شرکت هواپیماسازی بریتانیا، که در بند یک بدان اشاره شد، مورد نظر شرکت ایران ایر است، که نهایتاً دو طرف قرارداد از آن اجتناب خواهند نمود، شرکت هواپیماسازی بریتانیا از شما تقاضا دارد که درصد هزینه کمتری نسبت به مبلغ مذکور در بند ۴ فوق، دریافت نمایید. این درصد کمتر برحسب سهم مساوی کار بین شرکت هواپیماسازی بریتانیا و خودتان تعیین خواهد شد.

۷. مواردی که در این نامه بدان اشاره شد باید با اطمینان کامل مورد بحث قرار گیرند.

۸. آقای شاپور ریپورتر با امضای دو نسخه اصلی و امضا شده این نامه، موافقت خود را با این موضوع و موارد فوق که توافق کلی دو طرف را تشکیل می‌دهد، اعلام می‌دارد.

از طرف شرکت هواپیماسازی بریتانیا با مسئولیت محدود، جوفری توتل

از طرف... نهم فوریه ۱۹۷۲



مراسم به آب انداختن کشتی خریداری شده ایران از انگلستان (اواخر دهه چهل شمسی)؛ در تصویر فاطمه پهلوی، امیر خسرو افشار قاسملو و شاپور ریپورتر دیده می‌شوند. [۱۶۱۱-۱-پ]

[چگونه پرداخت حقوق ماهیانه و سالیانه از سوی شرکت نفت انگلیس به ریپورتر]

D.E.C.STEEL

BRITANNIC HOUSE

MOOR LANE

LONDON, E.C.2

هشتم ژوئیه ۱۹۷۳

سر شاپور عزیز،

پیرو نامه مورخ بیست و سوم مارس ۱۹۷۳ خود راجع به مسئله استفاده از خدمات جناب عالی توسط شرکت بریتیش پترولیوم به عنوان مشاور ویژه این کمپانی در ایران به مدت پنج سال که شروع آن از تاریخ اول آوریل ۱۹۷۳ با دستمزد سالانه ۱۰,۰۰۰ پوند به اضافه هزینه‌های معقول مسافرت جنابعالی، نامه حاضر را بدین منظور خدمت جناب عالی می‌نویسم که چون به نظر می‌رسد دامنه خدمات، عملکردها و اقدامات به مراتب وسیع‌تر از آنچه که ما بدو فکر می‌کردیم خواهد بود لذا شرکت نفت بریتانیا آماده است یک مبلغ اضافه به میزان ۲,۰۰۰ پوند ماهانه برای مدت پنج سال که این نیز از اول آوریل ۱۹۷۳ به مورد اجرا گذارده می‌شود، به جناب عالی پرداخت نماید. این مبلغ در پایان هر ماه به حساب شما در بانک کلین ورت، بنسون و شرکا به آدرس لندن E.C.3، خیابان فنچرچ واریز خواهد شد، و پرداخت حق‌الزحمه ماه ژوئن شما شامل کلیه مبالغ از اول آوریل خواهد بود. در تمام دیگر موارد، نظرات پیشنهادی بنده در نامه مورخ بیست و سوم مارس این جانب، ترتیبات اخیر را نیز شامل خواهد شد.

بسی مایه خرسندی این جانب خواهد بود که حضرت عالی در صورت امکان با امضای نسخه ضمیمه این نامه، موافقت خود را اعلام فرمایید.

ارادتمند شما

دیوید استیل

[۴۸۰۷۱]

[۴۳]

[درخواست کمک شرکت شل از رپورتور جهت حل مشکلاتشان در ایران]

P.F.HOLMES

SHELL CENTRE

LONDON, SEI 7NA

به: سر شاپور رپورتور، تهران

۲۵ آوریل ۱۹۷۴

سر شاپور عزیز،

پیرو مذاکرات اخیرمان، یک نسخه از نامه‌ای را که آقای واگنر، رئیس (هیئت مدیره) ما برای جناب دکتر اقبال در مورد اکتشاف نفت ایران فرستاده است، به پیوست می‌فرستم؛ همچنین یادداشت کاملتری را در مورد پیشنهاد شرکت شل جهت اطلاع شما برایتان ارسال می‌کنم.

همان‌طور که ملاحظه خواهید فرمود، شرکت شل، متأسفانه، با توجه به شرایط مطرح شده نمی‌تواند در پیشنهاد مناقصه جهت اکتشاف نفت شرکت کند. با این حال، شرکت شل، مانند گذشته، مایل است به اکتشاف نفت در ایران بپردازد. از این رو، آقای واگنر پیشنهادی را با جناب دکتر اقبال مطرح نموده است مبنی بر اینکه شرکت شل به صورت پیمانکار با شرکت ملی نفت ایران وارد کار شود و هر نفتی که پیدا شود تحت اختیار شرکت ملی نفت ایران درآید.

در مقابل، شرکت شل نیز به مدت ده سال دارای حق خرید نفت خام از شرکت ملی نفت ایران به نرخ بازار و یک درصد کمتر (کمتر از نرخ بازار) خواهد بود. میزان نفت خام خریداری شده نیز مستقیماً در ارتباط با تلاشهای اکتشافی فوق خواهد بود. امیدوارم این نامه و ضمایم آن شما را در پاسخ به هرگونه سؤال کمک نماید.

ارادتمند

پیتر هلمز

[۴۷۹۰۷]

[۴۴]

[گزارش نتیجه مذاکرات شرکت نفت بریتانیا با شاه به ریپورتور]

D.E.C.STEEL

BP

BRITANNIC HOUSE

MOOR LANE

LONDON, EC2Y 9BU

بیست و سوم ژانویه ۱۹۷۶

شاپور عزیز،

بسیار خرسند و سپاسگزاریم از اینکه اعلیحضرت همایونی یکشنبه گذشته در تهران به ما افتخار شرفیابی دادند. این دیدار سبب شد تا ما از نزدیک از زبان شخص اعلیحضرت با مشکلات و مسائل مبتلا به ایران، که ناشی از کاهش اخیر صادرات نفت خام می‌باشد، آشنا گردیم و نیز فرصتی شد تا مشکلات و دشواریهایی که به واسطه رکود اقتصادی عظیمی را که در منابع ارزی و در بازارهای جهانی نفت با آن مواجهیم شرح دهیم. دامنه این رکود همه ما را متحیر ساخته است و ما هنوز به هیچ وجه نمی‌توانیم با اطمینان پیش‌بینی کنیم که وضع اقتصاد اروپا و ژاپن چه وقت، به معنای واقعی، روبه بهبود خواهد گذارد.

اعلیحضرت همایونی که درک عمیقی از مسائل و مشکلات مبتلا به ما داشتند و بنده امیدوارم که ایشان پی برده باشند که ما به سهم خود کاملاً مشکلات و دشواریهای مبتلا به ایران را درک می‌کنیم. در سایه این روح همکاری دوجانبه و درک متقابل است که اینک ما به هدف تجدید مذاکرات مربوط به قراردادهای کنسرسیوم با ایران نایل می‌شویم، که امیدواریم با اصلاحیه «قرارداد خرید و فروش ۱۹۷۳» تکمیل و به مورد اجرا گذارده شود.

همکاران ما آماده می‌شوند که هفته آینده به تحقق بخشیدن به مذاکرات مشروح با جناب آقای دکتر اقبال و همکاران ایشان مبادرت ورزند. امیدوارم، با توجه به توفیق مذاکراتی که با اعلیحضرت یافتیم، دوستانمان سریعاً به توافق اصولی دست یابند. تلقی

ما این است که ایران مسئولیت سرمایه‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری را تقبل نماید و کنسرسیوم کارمندان و کارشناسان مورد نیاز جهت اجرای عملیات را فراهم خواهد آورد، و تمام سعی و تلاش خود را مصروف عرضه محموله‌های نفتی می‌نماید در ازای مبلغی مورد توافق، البته در سطحی که قابلیت و قدرت رقابت نفت ایران در سطح بازارهای جهانی را حفظ کند.

همه ما بی‌نهایت سپاسگزاریم از اینکه اعلیحضرت همایونی قول دادند که ایران مادام که ما خواستار مذاکره درباره قراردادهای درازمدت تجدیدنظر شده هستیم، ما را از تعهد افزایش سرمایه معاف بدارند.

تنها یک نکته وجود دارد که ما با اعلیحضرت همایونی مذاکره نکردیم. لیکن متعاقباً در مذاکراتمان با شرکت ملی نفت ایران، آن را طرح ساختیم. حتماً به خاطر دارید که طبق موافقتنامه ۱۹۷۳ عملیات اکتشاف و استخراج نفت در ایران می‌باید توسط شرکتی صورت بگیرد که تحت تملک اعضای کنسرسیوم (شرکت خدمات نفتی) قرار دارد و می‌بایست به مثابه طرف قرارداد برای شرکت ملی نفت ایران کار کند. پیشنهاد شده بود که زمان آن رسیده که مالکیت این شرکت به شرکت ملی نفت ایران واگذار گردد. من دلایل طرح این پیشنهاد از سوی شرکت ملی نفت ایران را درک می‌کنم. لیکن قویاً معتقدم که اگر مالکیت شرکت خدمات نفتی برای مدت بیشتری در دست اعضای کنسرسیوم باقی بماند، این امر در جهت تضمین حداکثر اشتغال فنی توسط اعضای کنسرسیوم آن هم در راستای منافع ایران بسیار مفید خواهد بود. به نظر من به نفع ایران خواهد بود اگر قرارداد فروش با اعضای کنسرسیوم به صورت یک کل واحد منعقد گردد تا اینکه با تک‌تک اعضای کنسرسیوم. همان‌طور که گفتیم امیدم این است که مذاکراتمان به جناب آقای دکتر اقبال سریعاً به نتیجه برسد. لیکن هرگاه اعلیحضرت همایونی مذاکرات را مفید تشخیص دهند در این صورت بنده آماده هستم که بلافاصله به تهران بیایم.

ارادتمند شما

دیوید استیل

[۴۸۰۸۰ و ۴۸۰۸۱]

[۴۵]

[ارزیابی حساب بانکی ریپورتر در بانک روچیلد]

ROTHSCHLD BANK AG

زوریخ،

۳۰ ژانویه ۱۹۷۶

سر شاپور عزیز،

از نامه مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۶ شما متشکرم. همانطور که خواسته بودید، به پیوست یک ارزیابی از حسابتان در ۲۸ ژانویه ۱۹۷۶ ارسال می‌دارم که مبلغ کل ۲,۸۲۳,۱۴۵ دلار را نشان می‌دهد. همانطور که در خلاصه صفحه دوم صورت حساب می‌توانید ملاحظه کنید، حساب یک افزایش ۵۴۱,۰۸۵ دلاری یا ۲۳,۷۱ درصدی را در مدت کمی بیش از سه سال که نزد ما حساب داشتید، نشان می‌دهد. این مساوی با یک میانگین افزایش سالیانه ۷,۹ درصدی است.

امیدوارم که این صورت حساب تمام اطلاعاتی را که نیاز دارید در اختیارتان قرار دهد؛ اگر اینطور نیست سریعاً به من اطلاع دهید.

با احترام

ارادتمند شما

اسکار بی.کمپیچ

[۴۸۶۸۴]

[۴۶]

[نامه اعتراض آمیز ریپورتر نسبت به مالیات سنگین اداره مالیات ایران]

Sir Shapoor Reporter, K.B.E

65, Zartosht Street

Teheran 14

حوزه مالیاتی شماره ۹۷، وزارت امور اقتصادی و دارایی؛

پس از تقدیم احترام، اشاره به نامه شماره ۴۱/۵۳۳ مورخ ۲۵۳۷/۲/۹ آن حوزه

D. E. C. STEEL

TELEPHONE
01-920 7062

BRITANNIC HOUSE,
MOOR LANE,
LONDON, E.C.2.

8th June, 1973

Jean Sir Shapoor

I refer to my letter of the 23rd March, 1973 on the subject of BP's retainer of your services as a special adviser in Iran for a period of five years commencing on 1st April, 1973 at a fee of £10,000 per annum plus reasonable travelling expenses, if and when claimed.

I am now writing to confirm that, since it appears that these services will be more extensive than we first thought, BP is prepared to pay you an additional fee at the rate of £2,000 per month for a period of five years with effect also from the 1st April, 1973. This fee will be paid into your account at Kleinwort Benson & Co. Ltd., 20 Fenchurch Street, London E.C.3. at the end of each month and the payment at the end of June will cover the period from the 1st April.

In all other respects the comments in my letter of the 23rd March will apply to this further arrangement.

I shall be grateful if you will confirm your acceptance by signing the enclosed copy of this letter.

Yours Sincerely,

David Steel

Sir Shapoor Reporter, K.B.E.,
8 Ennismore Mews,
London, S.W.1.

Accepted:

مالیاتی نموده و در پیرو توضیحات شفاهی اینک به اطلاع می‌رساند: این جانب در هیچ مورد حق عاملیت و یا کمیسیونی بابت معاملات انجام شده فیما بین وزارت جنگ و شرکتها و مؤسسات انگلیسی دریافت نکرده‌ام و اصولاً هرگز عاملیت و یا نمایندگی هیچ شرکت و یا مؤسسه‌ای را برعهده نداشته و کمیسیونر و یا دلال و واسطه نبوده‌ام. شغل و سمت این جانب مشاور اقتصادی است که در تأیید و اثبات آن مدارک زیر را خدمتتان ارائه می‌دهم:

۱. فتوکپی صفحه مربوط [به] گذرنامه این جانب (عین گذرنامه به آقایان رفیعی و کمالی و لاجوردی ارائه شد)؛

۲. نامه رسمی وزارت دفاع انگلستان بامضای سر رونالد الیس (Sir Ronald Ellis) ریاست فروش لوازم دفاعی که در آن به صراحت به ادامه خدمت این جانب در پست مشاورت اشاره شده است؛

۳. فتوکپی قسمتی از مذاکرات جلسه مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۷۷ مجلس عوام انگلستان مندرجه در نشریه رسمی مجلس عوام انگلستان که وزیر دفاع انگلستان در پاسخ یکی از وکلای مجلس تصریح و تأیید می‌نماید که این جانب تنها و یگانه مشاور در مورد فروش وسائل و لوازم دفاعی رسمی (مربوط به دولت انگلستان) به ایران به وسیله سازمان MilBank Technical Services Limited بوده‌ام و این سازمان هم از جانب وزارت دفاع انگلستان عمل کرده و صد درصد دولتی است. براساس موافقت بین این جانب و سازمان صد درصد دولتی انگلستان (M.T.S) در سال ۱۹۷۰ در مورد فروش تانکهای چیفتن حق‌المشاوره این جانب یک درصد کل مبلغ فوب (FOB) بود که شامل هزینه حمل و نقل، ازدیاد قیمت در اثر تورم (Escalation) و یا هیچ‌گونه اضافات قیمت اضطراری نبوده است. طریق پرداخت به این جانب به طور نسبی انجام قرارداد و در طی سالیان اجرای قرارداد بوده است و نه یکجا. کل مبلغ حق‌المشاوره این جانب در مورد قرارداد چیفتن قبل از کسر مالیات مربوط انگلستان یک میلیون لیره استرلینگ می‌باشد و مالیات مربوط به آن در پایان قرارداد به میزان ۷۳/۶۱۱ لیره استرلینگ و ۶۸ سنت (L736011-68) برآورده شده است.

این جانب، همچنین مشاور شرکت راکال، که لوازم مخابراتی تانک را تهیه می‌کرد، بوده‌ام و حق‌المشاوره من از آن شرکت سالیانه هشت هزار لیره استرلینگ قبل از کسر مالیات بوده. در جریان محاکمه مربوط به سرهنگ دوم راندل عضو سابق وزارت دفاع انگلستان و دوتن از مدیران شرکت راکال، که هر سه نفر محکوم شدند، ادعاها و مطالب

نادرستی درباره این جانب گفته شد و مدیرعامل شرکت هم ناچار به استعفا گردید. مثلاً مبلغ یکصد و بیست هزار لیره که معادلی ریالی آن را من در تهران به مدیر شرکت (آقای نردین) جهت ایجاد اداره و شروع کار به عنوان وام داده بودم آنها در کتب حسابداری خود ظاهراً در هنگام پرداخت به من به عنوان «کمسیون» وارد کرده بودند و مدیرعامل قبل از استعفا اقرار کرد که چنین اعمال نارویه‌ای شده است. و به هر حال، من این حق را برای خود محفوظ داشته‌ام که بر علیه شرکت مزبور در انگلستان اقدام قانونی نمایم.

در خاتمه باید به استحضار برسانم که این جانب شخصاً به اطلاع تیمسار ارتشبد طوفانیان جانشین محترم وزارت جنگ در تسلیحات ارتش رسانده‌ام که هرگاه به تشخیص ایشان و مقامات مربوط دولت شاهنشاهی حق‌المشاوره اینجانب تحمیلی بر دولت ایران بوده باشد - که باید عرض کنم مقامات وزارت دفاع انگلستان صریحاً تأیید کرده‌اند که چنین نبوده است - این جانب آماده‌ام حق‌المشاوره خود را تمام و کمال، چه مستقیماً و چه از مجرای وزارت دفاع انگلستان، به مقامات مربوط دولت شاهنشاهی پرداخت نمایم و در این زمینه در انتظار تصمیم و اوامر ارتشبد طوفانیان هستم.

با تقدیم احترام

شاپور ریپورتر

[۳ و ۲-۱۹-۳-۱۲۹-الف]

[۴۷]

[تقاضای تجدیدنظر ریپورتر نسبت به مبلغ مالیات در نظر گرفته شده برای وی]

Sir Shapoor Reporter, K.B.E

65 Zartosht Street

Teheran 14

یازدهم مرداد ماه ۲۵۳۷

ممیزکل حوزه مالیاتی ۲۳/۵۳۳ خیابان ایرانشهر پلاک ۹۷؛

باتقدیم احترام و عطف به برگ تشخیص مالیات شماره ۶۶۶/۵۳۳ مورخ ۲۵۳۷/۴/۳۱، مقدمتاً اظهار می‌دارم که چون خون من صددرصد ایرانی است و پارسی (زرتشتی) هستم به خود اجازه نمی‌دهم که به ورقه‌ای که به شیروخورشید ایران مزین

است و از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی دولت شاهنشاهی ایران صادر گردیده اعتراض نمایم؛ ولی متأسفانه از ذکر نکات زیر خود را ناگزیر می‌دانم:

۱. ماده ۵۹ در مورد این جانب به هیچ وجه شمول ندارد؛ زیرا که من هرگز در ایران صاحب مؤسسه‌ای از هر نوع که باشد نبوده‌ام و این موضوع برای بازرس ویژه وزارت امور اقتصادی و دارایی (جناب سرهنگ اعلائی) کاملاً روشن گردید. عجب آنکه ممیزین محترم مبلغی را هم به عنوان جریمه برای عدم نگاهداری دفاتر در مؤسسه‌ای که وجود خارجی ندارد منظور کرده که طبق مقررات مشمول بخشودگی شود!

۲. قرارداد مشاورتی با مقامات M.T.S (وزارت دفاع انگلستان) در سال ۱۹۷۰ منعقد شد و تا مدت هشت سال ادامه داشت. ممیزین محترم بدون رعایت موضوع «مرور زمان» و بدون هیچ مجوز منطقی و قانونی مبلغ هفتادونه میلیون ریال را برای سال ۲۵۳۴ رأساً مأخذ تشخیص و احتساب مالیاتی قرار داده‌اند! و این عمل با اصل عدل و انصاف و بی‌نظری و بی‌غرضی که باید در تشخیص و احتساب مالیات حاکم باشد مغایرت محض دارد. در عین حال، نرخ تسعیر ارز (پاوند) را میانگین بین سالهای ۱۹۷۰ به بعد گرفته‌اند که باز هم جنبه اجحاف دارد. موضوع مالیات انگلستان که عین سند آن را خدمت خودتان ارائه دادم کاملاً نادیده گرفته شده است. منبع درآمد من در انگلستان بوده و در ایران درآمدی تحصیل نکرده‌ام. ضمناً یادآور می‌شوم که در پیرو محاکمه سرهنگ دوم راندل و تحریفات و اراجیف مندرجه در روزنامه‌های لندن (که متأسفانه منبع اصلی اطلاعاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی در مورد پرونده مربوط به من را تشکیل می‌دهد!) کاردار سفارت شاهنشاهی در لندن رسماً اعلام داشت که هرگاه حق‌المشاوره من تحمیل مالی بر قرارداد دولت انگلستان (وزارت دفاع) با دولت شاهنشاهی ایران باشد و دولت شاهنشاهی چنین تشخیص دهد این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که تمام مبلغ مورد سخن را از دولت انگلستان مطالبه نماید. در پیرو این جریان سررنالد الیس (Sir Ronald Ellis) عضو ارشد و رئیس فروش لوازم و وسایل دفاعی رسماً به تیمسار ارتشبد طوفانیان اعلام داشت که حق‌المشاوره من از خزانه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان پرداخت شده و به هیچ وجه تأثیری در قیمت و ارزش معامله و یا معاملات با ایران را نداشته است. آقای الیس همچنین تقبل کردند که شرکت راکال را که دونفر از مدیران آن محکوم شدند و مطالب نادرستی درباره من گفته بودند و ادار سازند که تمام و کمال مبلغی را که مدعی بودند (و بعداً هم در جریان محاکمه دروغ آنها ثابت

شد و رئیس شرکت استعفا داد) کمیسیون داده‌اند به تیمسار طوفانیان مسترد دارند خروج من از ایران از لحاظ مالیاتی و از هر لحاظ دیگر تابه این دقیقه بلا مانع بوده است ولی من که خود را خوناً و قلباً از ایران جدا نمی‌دانم مانده‌ام تا تکلیف پرونده مالیاتی من روشن شود. چک خود را به مبلغ ۴۲,۵۷۹,۲۸۰ ریال به تاریخ ...^{۳۳} تقدیم می‌دارم ولی صمیمانه انتظار و امید دارم که با توجه به عرایض مقامات مربوط وزارت دارایی و امور اقتصادی در تشخیص مالیاتی مربوط به من تجدید نظر به عمل آورند. با تقدیم احترام شاپور اردشیر جی ریپورتر
[۵ و ۴-۱۹-۳-۱۲۹-الف]

[۴۸]

[نامه ریپورتر به معینان و تقاضای توجه شاه نسبت به مالیات غیرقانونی در خواست شده از وی]

بسیار محرمانه

Sir Shapoor Reporter, K.B.E

65 Zartosht Street

Teheran

دوازدهم مرداد ماه ۲۵۳۷

جناب نصرت‌الله معینان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی آریامهر، با تقدیم احترام از جناب عالی استدعا می‌نمایم که مراتب زیر را به شرف عرض شاهنشاه برسانید: متجاوز از یک ماه قبل و به استناد نامه‌ی واصله از طرف ارتشبد طوفانیان همراه با مندرجات بخشی از مطبوعات لندن درباره محاکمه سرهنگ دوم راندل، که عاری از تحریفات و اراجیف که از مشخصات بارز مطبوعات «آزاد» غرب است نبود، این جانب به اداره دارایی خیابان ایرانشهر احضار شدم و توضیح شفاهی و کتبی دادم که من هرگز نه دلال بوده‌ام و نه حق عاملیت و یا فروش داشته‌ام و بلکه طبق مدارک رسمی مشاور رسمی وزارت دفاع انگلستان بوده‌ام و حق‌المشاوره من نیز از طرف دولت انگلستان قابل پرداخت بوده است. پس از چند روز شخصی به نام سرهنگ علائی، که خود را بازپرس

۳۳. تاریخی نوشته نشده است.

ویژه وزارت دارایی معرفی نمود، به من تلفن کرده و اظهار داشت که اگر موافق باشم به منزل من بیاید. ایشان (که بعداً فهمیدم نماینده ساواک در دارایی هستند) سؤالاتی از من کردند و با، به اصطلاح، بازدید منزل مطمئن شدند که مؤسسه و یابنگاهی ندارم و مسلماً گزارش خود را تسلیم مقامات مربوط کردند. فردای آن روز جناب سرهنگ علائی، به من اطلاع دادند که به دفتر آقای رضوانیان معاون مالیاتی بروم و در آنجا آقایان ناصری مدیرکل دارایی مرکز و مرآتی رئیس مالیاتی شرکتها از من سؤالاتی کردند که با صداقت پاسخ دادم و جوابها را نیز پاراف کردم. یک هفته قبل برگ تشخیص مالیاتی به وسیله اداره دارایی در خیابان ایرانشهر به من تسلیم شد که فتوکپی آن را با نامه جوابی خودم و چک ضمیمه در جوف تقدیم می‌دارم.

این ورقه تشخیص به خوبی نشان می‌دهد که مقامات وزارت امور اقتصادی و دارایی، برخلاف وجدان خود و برخلاف اصول عدالت و بی‌نظری و بی‌غرضی و صرفاً در اثر فشار ارتشبد طوفانیان، با من رفتاری کرده‌اند که روی محاکمات بلخ را سفید می‌کند و خط بطلان براین ادعا می‌کشد که در دستگاههای دولتی ایران زورگویی محض و پرونده سازی علنی و عریان صورت نمی‌گیرد.

نص صریح قانون مالیات بردرآمد می‌گوید: «هر شخصی غیرایرانی (اعم از حقیقی یا حقوقی) نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران تحصیل می‌کند» و اگر همین اصل صریح را رعایت می‌فرمودند پرونده‌ای نباید تشکیل شود. از ماده ۵۹ آنچه به من چسبانده‌اند این است: «۲- دلالت و حق‌العمل‌کاران که محل کسب ثابت دارند».

من به احترام شیروخورشید دولت شاهنشاه آریامهر و ایران به خود اجازه اعتراض نداده‌ام. در ده سال گذشته تیمسار طوفانیان به خوبی آگاه بودند که من دلال نیستم و در عالی‌ترین سطوح دولتی انگلستان با ایشان مذاکراتی داشته‌ام. نسبت به من هم همیشه لطف و محبت داشته‌اند. انگیزه ایشان را در این پرونده‌سازی و یا پاپوش‌دوزی درک نمی‌کنم. اگر این کار را حسب‌الامر ملوکانه کرده‌اند که من دم فرومی‌بندم و مسئله مختوم است ولی در غیراین صورت از خاک پای مبارکشان استدعای عاجزانه دارم که قبل از موعد و سررسید چک تقدیمی من (۱۵ اوت ۱۹۷۸) و چنانکه در نامه جوابی خود استدعا کرده‌ام اولیای وزارت دارایی با عدالت و نهایت بی‌نظری پرونده متشکله را مورد تجدید مطالعه و نظر قراردهند و من تسلیم نظر توأم با عدالت آنها هستم.

جناب معینیان، گذشته از گذرنامه من (انگلیسی)، من خوناً و قلباً و روحاً و از نظر



شاپور ریپورتر یار نزدیک شاه بود؛ در تصویر شاپور ریپورتر، محمدرضا پهلوی و نعمت‌الله نصیری در کنار تعدادی از مقامات خارجی دیده می‌شوند. [۶-۴۷۳۴۲ ن]

معتقدات مذهبی که سخت پایبند آن هستم خود را از ایران جدا نمی‌دانم و حتی خارج از وظایف رسمی خود هر جا که توانستم خدمتی ولو ناچیز هم که شده انجام داده‌ام. فقط یک مورد را به عنوان مثال عرض می‌کنم:

در اثر مساعی من و دوستی سی ساله با سرجان کاکنی رئیس مستغلات دولتی انگلستان شرکت ملی نفت توانست یکی از ده مرغوب‌ترین زمینهای تجارتي در لندن را برای اداره خود در آنجا کسب نماید و آن هم چند میلیون لیره کمتر از قیمت روز و امروز چندین برابر قیمت خریداری شده ارزش آن است. شادروان دکتر اقبال پیشنهاد نمود که در ازای این خدمت، درخواست نشانی برای من از پیشگاه مقدس شاهنشاه نماید که چون خود را شایسته چنین افتخاری نمی‌دانستم با عرض سپاس ایشان را منصرف نمودم. جناب آقاخان بختیار که از فدائیان صدیق شاهنشاه است موضوع تهیه زمین ساختمانی در لندن را می‌داند و استدعا دارم از ایشان سؤال فرمایید که یک سرسوزن در این ادعا مبالغه نکرده‌ام. اگر دلال بودم باید شرکت ملی نفت چند صد هزار لیره به من حق دلالی دهد!!

خدمات ناچیز دیگرم را طی ۳۴ سال گذشته شاهنشاه کم و بیش می‌دانند. استدعای عاجزانه دیگر من این است که دستور فرمایند ارتشبد طوفانیان اسناد رسمی مربوط به من و وزارت دفاع انگلستان و M.T.S و سند مربوط به تخفیف ۷,۰۰۰ لیره در هر تانک را که برای رؤیت ایشان به امانت داده بودم به من مسترد دارند (چندین بار استدعای استرداد آنها را کرده‌ام ولی ارتشبد می‌فرمایند: «نمی‌دانم کجا گذاشته‌ام!»). این اسناد را من در اقامه دعوی احتمالی خود بر علیه پاره‌ای از دستگاهها در انگلستان لازم دارم. در خاتمه از تطویل کلام پوزش می‌طلبم.

با تقدیم احترام

شاپور اردشیر جی ریپورتر

[۱۲ تا ۹-۱۹-۳-۱۲۹-الف]